

حقیقت

شماره ۱۰۵ ۲۸ دی ۱۳۵۹

مقاله

در حاشیه بازگشایی دانشگاهها

هنگا میکه کمونیست ها میگویند با گروه های تروتسکیست نمیشود دنیا بید همکاری کرد، هنگا میکه بر پایه تجارب جنبشهای آزادیبخش (چین، آلبانی، ویتنام و...) گفته میشود که تروتسکیسم آب به آسیاب امپریالیسم و دشمنان بزرگ مردم میریزد، هنگا میکه مکررا تاکید میشود که چپ نماها، تروتسکیست ما باها، طرفداران انقلابات جعلی "سوسیالیستی" و "برکا رگری" در کشور ما، همه از دم آتش بیا رمعرکه ارتجاع و جناحهای هار ضد کمونیست هستند و به آهنگ آنها میرقصند، روی این حساب نیست که آنها روی مساله حقی دست نمیی - گذارند و یا برای حقانیت دادن به کارهایشان به پلیدی استناد نمیکنند؛ بلکه روی این حساب است که آنها حقی را طرح میکنند تا حقی بزرگتر، مهمتر، میرم تر و عاجل تر را یا پمبال کنند و به پلیدی هاشی استناد میکنند تا پلیدیهای اصلی تر و جامع تری را بپوشانند. چپ - نماهای تروتسکیست در زمان جنگ جهانی دوم و در شرایط تشکیل جبهه های جنگ علیه فاشیسم، در همه جا برای بنا اصطلاح

اینها کیستند و از جان ملت چه میخواهند؟

نظری به نامه سرگشاده

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به بنی صدر

اخیرا روزنامه ها (۱۴ دیماه ۵۹) نامه سرگشاده ای را از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی خطاب به ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهور، انتشار داده اند. ظاهرا اینبار نیز مانند گذشته (بیانیه)

اردیبهشت ماه این سازمان (دیماه ۵۹) "اطلاعات موشقی" درباره "یک توطئه جدید" آمریکا بدست این سازمان رسیده، که البته "این توطئه جدید صرفا نظامی نبوده، بلکه عمدتاً نیز مانند گذشته (بیانیه)

بقیه در صفحه ۳

سازش به قید و فوریت پایان کار گروه گانها؟

روز ۲۲ دیمه ۱۳۵۹ "مجلس شورای اسلامی" طرح "دوفوریتی" برای سازش با امپریالیسم آمریکا را تصویب کرد. ماده واحده "موبه" مجلس از این قرار است:

احازه داده میشود که در مورد اختلافات مالی و حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران با دولت آمریکا از طریق داوری مرضی الطرفین اقدام و اختلافات مذکور را حل و فصل بقیه در صفحه ۴

درباره اوضاع جهانی روند جنگ امپریالیستی و انقلاب

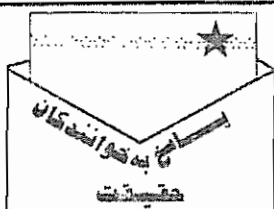
صفحه ۶

حمایت عوامل حزب جمهوری از زمینخواران، فئودالها و تجار عمده در اراک

صفحه ۱۱

خطیب شهیر آریامهری در نماز جمعه حزبی!!

صفحه ۱۶



در این جاسوسخانه هم باید تخته شود! درباره اولتیماتوم روس

روس

صفحه ۱۶

کارگران و ایادی حزب جمهوری

صفحه ۱۶

در حاشیه بازگشائی...

بقیه از صفحه اول...
 نیل گروهها و دسته بندیهای با اصطلاح "اُبرکمونستی" و "ماورای انقلابی"، که زبان عای بزرگی به جنبش کمونیستی و جنبش آزادی توده های ملت ما زده اند، نمونه های کمی نداشته ایم.

اکنون قضیه بازگشائی دانشگاه ها هم، که بجای خود در چارچوب معینی میتواند بعنوان امر حقی پیش برده شده و وسیله ای برای این قبیل گروههای چپ نما شده است تا تئوری های جعلی خودشان را که جز زبان به امر مبارزه متحد مردم ما و خدمت به جناح راست افراطی، به امپریالیسم و زدوران تجا و زگران، نتیجه ای را عاید نمیگرداند، به آزمایش گذارند. ناگهان به بهانه فرارسیدن روز تاریخی ۲۲ دی، بدون در نظر گرفتن اوضاع در مجموع، بدون تفکیک قفایای اصلی و تبعی، بدون توجه به اینکه در شرایط تهاجم قهرمانانه نیروهای ایرانی بر دشمن مهاجم و آلت دست امپریالیسم، تنها دشمن تجاوز کار و اربابان نش مترصد علم شدن مسائل تبعی و بطور منتزع در پشت جبهه هستند، بدون در نظر گرفتن این واقعیت که نقطه جناح راست افراطی و ضد کمونیست برای نجات از آن افراد سیاسی خود در چنین شرایطی بدنبال فتنه و تحریک در پشت جبهه میگردند... آری ناگهان در این اجتماع، نخواهد آمد...

با چند صد نفر عضو و هوادار خالص بریزند به خیابانها و با اصطلاح دانشگاه را با زکندنده نگاه می به فهرست نما می گروهها می که جنبش برنامه ای را در آن روزها پیش پای اعضا و هواداران خود گذارده اند، از حریان منحرف "بیکار" گرفتند تا گروه آشکارا تر و تسکیت و منط "وحدت کمونیستی" - که ضمنا چه زود تر و تسکیت های خالصی مانند "بیکار" و تر و تسکیت های ناب و غیر خالصی، و وحدت با اصطلاح کمونیستی، همدیگر را پیدا کرده و به هم مساکتی خود پی بردند. نشان میدهد که همه ایشان مخالف جنگ مقاومت و حق طلبانه مردم ما علیه تها و ز طراحی شده امپریالیسم در جنوب و غرب کشور هستند و در سودای ارتجاعی و بوج برآه انداختن یک "جنگ داخلی" در شرایط کنونی بد طرح و خلق این بازبانی مسخره دشمن شاد کن می پردازند.

ما جدا از اعضا و هواداران این گروهها میخواهیم کمی جدی تر درباره مسائل بیادیشند و قضاوت کنند، ما از رهبران منحرف این گروهها که در این روزها شیدای بازگشودن دانشگاهها شده و هر روز چند صد نفر را به تظاهراتهای قلبی، بی پشتوانه و با جهت گیری انتزاعی، جدا از حرکت عمومی مردم برای آزادی و دموکراسی، جدا و بلکه بعنوان دهن کجی خود ضربیه نهی به مقابله قهرمانانه و متحدانه مردم با نقشه نهی امپریالیسم استی و ارتجاعی، و امیدارند، میپرسیم: آخر مگر شما راجه میشود؟ آیا نمی فهمید، نمی توانید بشهید، نمی خواهید بشهید که دارید با زیچه می شوید؟ آیا نمی فهمید که در همه جا، در کردستان، در تهران و در همین با زیبائی که بنام بازگشائی دانشگاهها انداختهاید، در دام افتادهاید و اگر خدایا هم صادق باشد...

گوشه قربانی دعا های دیگران هستید؟
 حکمانی، چه نیروها و صاحبان در شرایط مشخص کنونی، در شرایط تهاجم قهرمانانه نیروهای خودی علیه نیروهای تها و زکار بیگانه، در شرایطی که تشنات تفرقه افکنانه مرتحسین خالصت پیشه به انفرادی و عقب نشینی موقتی آنها کشیده شد، از این بازبانی شما سود میبرند؟ کئی میخواهد ملت ما در این جنگ شکست بخورد؟ کئی میخواهد در حبه، واگرنش در پشت جبهه، فتنه و بلواهای ساختگی ایجاد شود، ذهن توده های مردم از جنگ منحرف شود، مبارزات عادلانه دموکراتیک مردم، به تفرقه کشیده شود و از این رهگذر جای پای خود را در این کشور محکم کنند؟

هر کس با کمی دقت در اوضاع، توجه میشود که اولاد دشمن تها و زکار یعنی رژیم در حال سقوط عراقی که خصوصا پس از تهاجم اخیر در بدترین تنگناها قرار گرفته اند از بجا دهر تفرقه و بلوای ساختگی در حبه داخلی ما، از بجا دهر حرکتی که اصلی بودن جنگ را در ذهن مردم ایران ثبت الشعاع قرار دهد و به چند دستگی در میان مردم دامن زند، استقبال میکنند.

ثانیا آمریکا و سوروی هر دو در حال حاضر حتی المقدور خواستار به تعویق افتادن پیروزی ایران در این جنگ، وقفه و شکست ایجاد شدن در حرکت تهاجمی فعلی و خصوصا بجا دیگر تفرقه و چند دستگی وسیع در بین مردم در شرایط جنگ مصیبت بار کنونی برای اجرای نقشه های خود، چه نقشه تحریک کودتای در داخل، چه نقشه سازش کشاندن جناحهای از دستگاه حاکم و سپس انجام کودتای به کمک این جناحها و چه نقشه برانگیختن آشوبهای و در واقع کشودن جبهه های آتشی از داخل در نقاطی نظیر بلوچستان، می

باشند. ثالثا ارتجاع دست راستی انحصار طلب، مشخصا سران حزب جمهوری اسلام می و هم دست نشان علیبرغم استقبال از هریشان از تهاجم جنگی اخیر خواهان ایحاد وقفه و شکست در آن هستند و دقیقا میخواهند سیری در اوضاع پیش آید که حتی بقیمت از دست رفتن بخشهایی از خوزستان و احبار به تسلیم شدن در برابر قدرتهای بزرگ آرزوی آنان برای به انحصار کشیدن کامل قدرت مرکزی، برای کودتای یا شبه کودتای قصری و سپس قلع و قمع همه مخالفین جامعه عمل پیدا کند، برای همین این جناح، که در بلواگریهای خود در سراسر ایران به عقب نشینی و بعد توجه ظاهری به جنگ ناچار شد، مترصد آنست که از هر مسئله کوچکی، که بتواند جبهه مخالفین خود را به انفعال در این شرایط محبور کند، به شغ مقاصد ذکر شده بهره برداری کند و با این بهانه و با ایحاد بلوا و آشوب بر سر آن از پشت به جبهه نبرد مقاومت جویانده ملت و تها در آن خنجر بکوبد.

آباز رهبران منحرف گروههای "بیکار" و "اقلیت نوشه"، "زبانی انقلابی ها" هیچ فهمیدند، توجه کردند، که چرا در این چند روزی که تا قبل از روز ۲۳ دی راهپیمائی های چند صد نفره خود را به نما پیش میگذارند، کسی از دستجات همیشه حاضر و آماده حاکم مذاحمت چندانی به حیزدادن، مقداری شعار و چند زد و خورد فرعی برایشان ایحاد نمی کردند؟ چرا اعلامیه های دیواریشان در اطراف دانشگاه تهران، برعکس همیشه که در همان دقایق اول کشنده میشد تا یکی دو روز بر جای خود مانده بود؟ چرا حزب کذائی و دسته های چاقا در حرفه ایشان که تا یک هفته بیشتر در اطراف تهران دسات زد و خورد بسیار بقیه در صفحه ۳

اینها کیستند...

سقیه از صفحه اول سیاسی است؛ لیکن در واقع اساس نابه متوجه بررسی اختلافات این سازمان، یا بقبول خودشان "اختلاف بینش" میان "جناحی که" ایشان "نیز جز آن" هستند با رئیس جمهور و "اتحاد نامگونی" که با رئیس جمهوری "همکاری" دارد ولی "اکثر اخیر" ایشان را نمیخواهند، میباشند. بحث نامه طوری است که انگار هرکس و گروهی که خارج از "جناح" ایشان است مشغول "زمینه سازی" برای توطئه های آمریکاست، و در نتیجه در "خط آمریکا" است، و "جناح" ایشان هم دائما مشغول مبارزه با توطئه های آمریکا است، و قاعدتا دلیلشان هم همان "اطلاعات موثق" و نامه های هشدار دهنده خودشان است.

بهر حال ما در اینجا نه به "اطلاعات موثق" ایشان در باره "توطئه جدید" آمریکای کار می داریم چه "جناح" ما که ربطی به جناح بازی های ایشان ندارد نیک میدانند توطئه های جدید و قدیم چیست و در این کشور چه خبر است. و نه به "اختلافات بینش" ایشان و "جناح" ایشان با رئیس جمهور و جناح بازیشان با آن "اتحاد نامگون" فعلا کاری داریم. عجلتاً در اینجا فرصتی است که "جناح" خود ایشان زیر بررسی قرار گیرد.

اول يك سؤال

برای خود سا زمان مجاهدین انقلاب اسلامی و طبعاً برای "جناحی" که ایشان "جزء" آن "هستند، وقاعدتا برای رئیس جمهوری هم که طبق این نامه با ایشان گپگاه "جلسه خصوصی" دارند، این سؤال نمیشود: ولی برای "جناح" ما، جناح کارگران، جناح توده مردمی که در این جناح با زیها شرکت ندارند، این سؤال الی است که چرا این سازمان خود را پنهان داشته و مخفی است. تا بقبول امام مردم بتوانند فقط "ماقال" بلکه به "من قال" این سازمان نیز توجه کنند و سپس داوری کنند! (اگرچه از ما قال "ایشان تا حدی به" من قال "ایشان هم میتوان پی برد).

البته برای سازمانی که مخالف یک نظام سیاسی باشد، مخالف دولت و دستگاهی باشد و آن دولت و دستگاه را دشمن خود بداند، دلیل موجهی برای اختفاء و پنهان کاری شدید وجود دارد. برای سازمانی که توسط رژیم سیاسی حاکم سرکوب شود، اجازه تظاهرات و بیان مطالبات و یا مخالفت های خود را نداشته باشد، روزنامه اش توقیف شود و مراکز تجمعش مورد هجوم واقع شود، دلیل موجهی برای پنهان کاری و مخفی شدن وجود دارد. حال چه این سازمان در خواستها و هدفهای خود زدید. گاه منافع تاریخی یا مقطعی مردم برحق باشد و چه برحق نباشد. اما برای مخفی شدن وزیر آبی رفتن سازمانی که ب نظام سیاسی مطلوبش رسیده، طرفدار این نظام است، مورد تائید و ستایش بسیاری از سرجنبانان این نظام است، به مریدان و مردانش مردور رسیده، چه دلیل موجهی وجود دارد؟ برای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، که طرفدار سفت و سخت جمهوری اسلامی، قانون اساسی خیرگان، و همه نظم و نسق این

دستگاه و قوای سه گانه و یا پنج گانه آن و حتی سران و ترکیب این قوا. شایده تنها بیخبر از قوه ریاست جمهوری که آنهم بقول خودشان فقط از سر "خیر خواهی" با آن "اختلاف بینش" دارند. چه دلیل موجهی برای احتفاء وجود دارد؟ برای سازمانی که در نظر گردانندگان این جمهوری رتبه قانونی و عزیز کردگی اش تا بدان حد است که حتی در همان جلسات اولیه مجلس شورای باره رسمی کردن مسلح بودنش در کنارت نیروهای مسلح رسمی صحبت میشود. میخواستند در باره اش لایحه قانونی بگذارند، اختفاء چه معنی دارد؟ برای سازمانی که برای هیچ یک از سران این جمهوری، از رئیس جمهورش گرفته تا سران مجلس شورای قضائی و دادگاه ها و هیئت دولت، مخفی نیست، چه بر اساس بیانیها. بیش با همه اشان مراد و وحشی "جلسه خصوصی" دارد، بلکه فقط از دید مردم مخفی است، این خود نهفتن چه مفهومی دارد؟ چه قانونی مخفی بودن یک سازمان قانونی را حکم میکنند؟

با چنین وضعی تنها یک نوع سازمان میتواند باشد. نونی و مورد تائید یک رژیم سیاسی باشد و مخفی و دور از نظر مردم باشد و آنهم سازمانی است که نقش یک پلیس مخفی، نقش قوه انتظامی و امنیتی یک رژیم سیاسی و یا دسته حاکم در این رژیم سیاسی را ایفاء کند. آیا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی چنین نقشی را در چارچوب رژیم سیاسی کنونی و یا برای دسته حاکم، حزب حاکم، در آن ایفاء میکنند؟

دوم يك معيار نامعلوم:

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در این نامه سرگشاده کوشش نموده است تا طبق معمول

کنونی خود را و جناح خود را "خط امامی" بنا مدوالته ایشان هیچ "تردید" ندارند که "بمعنوان یک جریان خط امامی" بابتی مدر "اختلاف بینش" دارند.

ما مدتهاست که درباره این "محک و معیار" بین انقلاب و ارتجاع در میهن مان - یعنی "خط امام" و قبول و یا رد آن - شنیده ایم و خوانده ایم. البته هیچگاه ندیده ایم و نخوانده ایم که کسی و یا جریان سیاسی مشخصی و یا حتی خود "خط دهنده" درباره مختصات اصلی این "خط" درجایی توضیح مکتفی داده باشند. ولی البته با هم زیاد خوانده ایم و زیاد دیده ایم و زیاد هم شنیده ایم که هرکس و نا کسی در این مملکت خود را "پيرو خط امام" میدانند و بقیه را "خارج از این خط"!! و هرکس هم برای خودش تفسیر و توجیهی جدای از تفسیر و توضیح دیگری از این "خط" دارد. حقیقت را گفته باشیم این "خط امام" بیشتر بصورت چماق تکفیری در آمده است در دست عده ای تا بضر آن هرگونه مخالف خوانی را - چه حق و چه ناحق - در گلو خفه سازند. این "خط امام" چماق تکفیری گردیده است در دست عده ای تا به بضر آن، هرکس را که ندایی از اعتراض و مخالفت در مقابل زورگویی های آنها بر آورد، خفه سازند و سریع انگ "خارجی" و بالاخره "آمریکایی" را بر او بچسباندند!!

ولی برای ما که نه جزء جناح سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - بقول خودشان "خط امامی" ها - هستیم و نه جزء آن جناح مقابل - یعنی آن "اتحاد نامگون" این گونه "معیار ها" و "محک ها" صئار ارزش ندارد. برای ملت ایران هم نیایستی چیزی که معلوم نیست واقعا چیست، مثابه "معیار و محک" صف بندیها و قطب بندیها. سقیه در صفحه ۱۹۰

سازش

با دوفوریت

بقیه از صفحه اول -
نماید" (کبها ن ۲۲ دماه)
در مورد ضرورت تصویب
این طرح "دوفوریتی" جناب
بهبزادنبوی، سخنگوی دولت و
مسئول امور گروگانها، چنین
گفت:

"... رئیس جمهور فعلی
آمریکان را روز ۱۶ ژانویه
(۲۷ دی) بیست و یک سال پیش
اعتبار قائل نموده و
مذاکراتی که در این
مدت انجام گرفته با
دولت فعلی بوده است،
طبعاً اگر تا روز ۲۷ دی ما
به یک نتیجه در این
زمینه نرسیم دیگر دولت
فعلی تعهدی ندارد و
این روز زود بیستیم
ژانویه (اول بهمن) که
دولت جدید روی کار می
آید معلوم نیست مذاکرات
به چه طریقی آدا مه پیدا
کند، به این دلیل ما فکر
کردیم از طریق ساده
و احده مسئله را حل کنیم"
(انقلاب اسلامی - ۲۲ دی - تا -
کبد از ما است)

بنا بر این جناب بهزاد
نبوی "خط" را لوداده است!!
دولتمردان "مکتبی" و "ضد
امپریالیست" و "خط اما می"
از ریگان میترسند و حاضرند
بقید دوفوریت به سازش با
کارتربرسند و قال قضیه را بکنند
دولت و همه "ضد امپریالیست"
های دروغین دولتی به آن چنان
منجلابی در غلطبده اند که علناً
از سر تعظیم فرود آوردن در مقابل

بل اولتیماتوم ها و "ضرب
الاجل" تعیین کردن های
امریالیسم آمریکا دم می
زنند:

"احمد عزیزی به خسر
نگاران گفت که ایران سه
احتمال زیبا در روز جمعه و سه
از یابان غرب الاحلی که دولت
کارش برای قبول شرایط
آمریکا تعیین شده است پاسخ
مشیت خود را اعلام خواهد
داشت" (کبها ن ۲۲ دی ماه به
نقل از صدای آمریکا - ناکند
از ما است)

سپیدان آبروسا -
ختگان و عوامفریبان و "ضد
امپریالیستهای" دروغسین
چگونه در منقلب خیانت و ار -
تدا دست و پا میزنند، ببینند
که چگونه اعلام مدارند که
پیتاز "ضرب الاجل" آمریکا به
"شرایط آمریکا" پاسخ مثبت
خواهند داد و سر تعظیم فرود
خواهند آورد، آری امروز آمر -
یکاست که "شرایط" تعیین
می نماید و "ضرب الاجل" نمی
گذارد، و امروز این خائن
کاران "ضد امپریالیست" حزب
جمهوری و جناح با صلااح "خط
اما می" هستند که سردمداری سر
تعظیم فرود آوردن در مقابل
آمریکا را بعهده دارند و "مجلس
شورای اسلامی نیز به قیود
دوفوریت این سازش ننگه آور
را به تصویب رسانند."

ولی شرایط آمریکا
چست و ایران به قصد "دوفور -
ست" چه دست می آورد؟
ما قسلاهم گفته بودیم
که ایران در آزا آزادی گرو -
گان ها فقط پول میگردوس!
یعنی دولتمردان ضدا انقلابی
و خائننکار رد دولت شرافست و
حیثیت ملت ایران با پول
تاخت زده اند، ولی با چه مقدار
پول؟

"راسا س گزارش نسو -
بورگ تا بهمن، ایالات متحده سه
آگا هی ایران رسانده است که
ایران خواهد توانست همزمان
با آزادی گروگانها ۷۰ درصد

سپرده های مسدود شده خود در
آمریکا را بدست آورد" (کبها ن
۲۲ دماه - تا کبد از ما است)
ایران ۷۰ درصد بولیهای
خود را در آزادی گروگانها سه
دست خواهد آورد!! اسن است
بیشنها در آمریکا و این است آن
سازشی که در مجلس به قیود
دوفوریت تصویب شده است ۲۰
در صد بقیه هم در آمریکا مسا -
شدتا مسئله دعوا های که کما -
نی های آمریکا بی علیه ایران
 مطرح کرده اند حل و فصل شود.

"نه گزارش نیویورک
تا بهمن و از شنگتن ۲ میلارد
و با صد میلیون دلار دیگر که
مورداً اختلاف بین ایران و مو -
سات خصوصی آمریکا بی است
نیز آزا دعوا هدر کرده شرط آنکه
نهران حاضر شود موضوع به جای
دادگاههای آمریکا بی درک
مرجع سن المللی مسورد
رسدگی قرار گیرد و اسن کسار
ممکن است ماهها طول انجا -
مسد" (اطلاعات ۲۲ دماه)

بدین ترتیب مجلس سا
تصویب دوفوریتی اسن طرح
نه تنها آبرو و شرافت ملت
ایران را نابود داد بلکه عملاً
طرح ۴ ماده ای خود را نیز سه
زیر پا گذاشت. بموجب آن طرح
۴ ماده ای، اولاً آمریکا می
باستی همه دارایی های
مسدود شده ایران را با زگردا -
ند، در صورتیکه آمریکا فقط
جا فراست ۷۰ درصد آن را پس
دهد، ثانیاً - آمریکا می
باستی همه دعاوی مربوط
به "گروگان گیری و انقلاب
اسلامی" را کما لم بکمن
اعلام دارد، که روشن است
آمریکان نه تنها به این امر
حاضر نیست بلکه ۲/۵ میلارد
دلار هم برای اطمینان خاطر
نزد خود نگا خواهد داشت. و

ثالثاً آمریکا باستی همه
دارایی های شاه مخلوع و خا -
نواده اش را که میلیاردها
دلار میگردده ایران مسترد
دارد، ولی نیویورک تا بهمن
اسن چنین به دولت مسردان

با صلااح ضدا امپریالیست دهن
کمی میکند:

"... ایالات متحده را -
بی شاه مخلوع را در آمریکا فقط
به چندین میلیون دلار تخمس
زده و توضیح داده است که ایالات
متحده نمیتواند نقانوناً ساز -
گرداندن دارایی محمدرضا را
تضمین کند" (اطلاعات ۲۲ دی)
بدین ترتیب همه آن
هسا هوهای دروغین در باره این
که ایران از آمریکا ۲۴ میلارد
دلار تقاضا کرده است و... دروغ
از آب درآمد و خیا ننگاران دو -
لتنی ایران، به اولتیماتوم
ها و شرایط آمریکا تن دادند و
به حدود ۷ میلارد دلار از دارا -
بی های مسلم خود ایران رضا -
ست دادند، اسن چنین است
ایضا داین سازش بزرگ با
"شطان بزرگ" و "مجلس
شورای اسلامی" هم به قیود
دوفوریت اسن سازش بزرگ را
به تصویب رسانند!!

دولتمردان و مجلسان
که در پی قیضه قدرت هستند و همه
فکر و ذکرشان اسن است که چگونه
نه جنگال های خود را بر ارگان
های قدرت محکم کنند و دستان
رقیب را کوتاه، عوامفریبان
ضدا انقلابی بیستند که
علیرغم هایهوی "نه ترقی، نه
غربی" شان هم با غرب مسا زند
و هم با شرق. اسنان آن چنان
عوامفریب هستند که ما چند
اولتیماتوم ریگان قالب تهی
کرده اند و با سرو کله به
بیشنها دات کارت رضا داده اند.
مردم باستی خود دست به کار
شوند و زمام امور خود را از دست
این خائننکاران و کلاشسان
نجات بخشند!

کارگران و...

با مسائلی از این قبیل روبرو
خواهد گشت اما بهر حال از آنجا
شیکه نفرت کارگران از اینها
سلاست با اتخا ذسیا ستهسای
صحیح در حفظ وحدت و یکپارچگی
کارگران میتوان قاطعاً سه
مبارزه با این جریان و طرفدان
از میان کارگران را بییش
بسررد.

در حاشیه
بازگشائی...

بقیه از صفحه ۴

کرده و در صفحات شمالی کشور چندین شهر را، تنها برای کندن چند شعاعاً رویمسج آوری بساط های روزنامه فروشی کنار خیابان، به خیمون کشیدند، با راهپیمایی های انقلابی، شما و با اعلامیه های دیواری شدید و غلیظ شما در این دو سه روز تدارک با مصلح با زگشائی اینگونه نسبت به گذشته با ملایمت رفتار کردند؟

شما نه تنها بازیتان با زی کودگانهاست و بعلاوه هرگز به سودای پوچ جنگ داخلی با مصلح انقلابی خود، مگر به صورت دعواهای کنار خیابان نخواهید و نتوانید رسید، بلکه قهرا و بناچار با این طرز تفکر و تلقی خود از مسائل با زیجه هم می شوید. دان میباشند و عجب که این مدعیان رهسری طبقه کارگر چه سرعت دوران جمع میشوند و برای دیگران گوشت قربانی تهیه میکنند. حتماً از این فضای نسبتاً بازی که برای راهپیمایی های چندمدت فشرده ایشان و تبلیغات خیابانیان گشوده بود خیلی خوشحال شدند و شاید آنرا معلول هیبت سهمناک خودشان تصور کردند. غرّه شدند. هر مرغ و ما کسانی می دانند که دانه چیز خوبی است، نعمتی است که البته با سداز آن بهره برگیرد؛ ولی این دانه گاه می تواند با مصلح برخی ملایان بجای نعمت، بنقمت شود و سلاهی جان گردد! باید می داد و تا کنیک آنرا هم شناخت. بعلاوه برای انجام هر حرکتی، به حرقا نسبت و جفا بودن آنچه بعنوان هدف

آن حرکت قرار داده شده است، باید برای آن توده های وسیعی را متحد کرد، متحد و متفق توده ای بدست آورد و مخالفین آن حرکت را به حداغای درجه منفرد ساخت و حتی المقدور در میا نشان دودستگی و چنددستگی برانگیخت. در قضیه بازگشائی دانشگاهها هم، علاوه بر مسائل دیگر، باید به این مسئله اساسی توجه کرد. اگر غیر از این شود، شکست در انجام چنان حرکتی حتمی است و به جای آنکه طرف مقابل به آنرا دوتفرقه کشیده شود، بنظر طرف به آنرا دوتفرقه کشیده شود، و لسی گروههای چپ نما و نروتسکیست ما ب بیغیر از آنکه قضیه بازگشائی دانشگاهها را وسیله نیل به مقاصد غلط و دشمن شاد کنی قرار داده و بهیچ رودریا راه و ضاع و شرابط هم نمی اندیشید، تحت لوای با مصلح "صف مستقل" و "حرکت مستقل" و کذا، تصور میکنند که با چند صد نفر میتوانند به جای حرکت توده ای خود را نشجویان و مردم قرار بگیرند و بدون گسترش جبهه ای از موافقین این قضیه، جلب توافق و همراهی نیروهای مترقی هر چه بیشتر و به آنرا کشتیدن مخالفین اندک، می توانند کاری پیش برند. حتی در این محدوده هم، در چارچوب طرح و پیشبرد قضیه هم، اینها نقش تک رو و تفرقه افکن را بازی میکنند و بسود طرف مقابل قدم برمیدارند، و حتماً هم فکر میکنند که خیلی "مبارز" نشوند.

بفدارند و انگهی مسئله بازگشودن دانشگاهها و بطور کلی اختلافات و کشاکشهایی که بر سر مسائل مربوط به آموزش و آموزشگاهها جریان دارد، در خودش و بطور منتزعی از حربانات دیگر درون جامعه بنا بدنگریسته شود، بلکه به آنها با بد عنوان بخشی از یک مبارزه سیاسی عمومی در سطح جامعه و بعنوان تابعی از آن نگر نیست، قضیه بازگشائی

دانشگاه حزبی از قضا بای بازگشائیهای سیاسی در چارچوب است، تا یعنی از مبارزه عمومی سیاسی دموکراتیک است که در چارچوب و در همه سطوح جریان داشته و بعلاوه در شرایط مشخصی تحمیل و تحریک یک جنگ تجاوز کارانه علیه ملت ما جریان دارد و بوسیله آن مشروط میشود. این مبارزه، عمومی سیاسی و ملاحظاتی است که چگونگی و زمان این بازگشائی معین را هم تعیین میکنند و همین مبارزه عمومی هم هست که میتوانند با این بازگشائی تحقق بخشد. بازگشائی مذکور در خودش و به طور منتزعی از این مبارزه عمومی، ارزشی را تشکیل نمی دهد؛ بلکه ارزش آن از لحاظ خدمتی که با این مبارزه عمومی میکند، از لحاظ خدمتی که به گسترش جبهه دموکراسی، سی طرف گردانیدن نیروهای متزلزل و آنرا دوتفرقه نیروهای مستبد و زورگومیتوانند صورت دهد، سنجیده میگردد.

گوتاه سخن اینک

یکم: بازگشائی دانشگاهها ما نندهر با بازگشائی و بستنی کار خود توده ها است، و سرانجام توسط خود توده های دانشجو و معلم، اتحاد همه آنها چه مسلمان و چه غیر مسلمان و حمایت وسیع مردم انجام تواند شد و خواهد شد؛ نه توسط چند گروه سیاسی جدا از توده، که سرفرض چند روز با زگشودن، چه نوانند کرد؟ کمونیستها با بد همراه توده ها باشند، در اتحاد آنها و گسترش جبهه ارحسق و آنرا در ناحق نکوشند و در پیش آنها باشند. بقیه مسائل دانشگاهی و آموزشی هم به همین سان حل تواند شد.

دوم: بازگشائی دانشگاهها در تحت شرایط و در زمان نی انجام تواند بود با بد گرفت که به سود رشد و قوام و توسعه نیروهای دموکراتیک جامعه و وزیان نیروهای مرتجع و

انحصار طلب مستبدان شد و این نیروها را در سطح جامعه انفرادی و تفرقه کشد و فرسوده نه آنکه به مسئله بازگشائی بطور مکتبکی، بعنوان صرفاً با زکردن و بدون در نظر گرفتن ارزش سیاسی آن برای مبارزه سیاسی جامعه برداخته گردد.

سوم: بازگشائی دانشگاهها نندهر قضیه دیگری، و بعنوان جزئی از جدال دموکراتیک در جامعه، با سنده بستن اتحاد و در نتیجه تقویت جبهه و پشت جبهه حنک عا دلانه کنونی علیه تحاوزکاران و دشمنان آزادی و استقلال ایران خدمت کند و در واقع سیاست تفرقه افکنانه و تحمیل و استبداد حناج راست افراطی را درهم بکوبد؛ نه آنکه به وسیله ای برای تضعیف و تفرقه و علیه ای حنک تبدیل شود، جزء بهای برای زدن کل گردد. بازگشائی کارگسانی است که مبنی است، و با این حنک باری میرساند، و اصولاً همین ها حق دارند بازگشائی بندونه آنها بی که ضدا بین حنک اندوخت سیاسی و عملیاتی به تحاوزکاران باشد. هر چند از روی نداشتن خدمت میکنند.

کارگران...

بقیه از صفحه ۱۴

اینبار نتوانستند بضر "اله اکبر" مسائل خود را به پیش ببرند. آنها در این جلسه توطئه دیگری را نیز سازماندهی کرده بودند که بیخ آنها هم گرفت. آنها بطور مشخص در این جلسه ضبط صوتی که رگذاشته بودند بعد با استقاده از آن واحیاناً با دستکاری هایی که در آن برای شورا و کارگران با پوش درست کنند و خلاصه بلواهایی درون کارخانه بر راه انداخته و از این طریق کاسه و کوزه ها را بر سر شوری جدید و کارگران مبارز شکنند و "قا تحانه" سرکار باز کردند. این توطئه نیز به هشیاری کارگران خنثی شد و نو از دسترس انجمن اسلامی بدور ماند. بدین ترتیب ایادی حزب جمهوری و توطئه های ایشان اینبار در مقابل کارگران و هشیاری آنان خنثی شد. روشن است که این پایان کار نیست و مسلماً بیرون کردن عوامل حزب کذائی از هرجائی

(بقیه در صفحه ۴)

درباره اوضاع جهانی

روند جنگ امپریالیستی و انقلاب

زمان عهد و ولعهد عربستان سعودی، در دیدار خود از پاکستان که بعد از زنده‌ها فرمانده نیروی دریایی آمریکا در اقیانوس آرام دریا سالیار را برت لانگ در ماه گذشته صورت گرفت، پشتیبانی کامل مادی و نظامی کشورش را از پاکستان اعلام داشت. در بیست و هفتم آذرماه اعلام میشود که با همکاری آمریکا، فرانسوی و ژاپنی در صدد توسعه نیروی هوایی خودی است. چندی پیش هندوستان با عنوان کردن استقرار نیروهای چینی در پاکستان و تکذیب آن از سوی این کشور، مسائل مورد اختلاف دو کشور را من زده شد. با رشد درگیری‌های که در بخش بلوچستان پاکستان ظاهر کرده و اجای پای حزب روسی نیردر آن ایستاد، میتوان منتظر اکتشفا و در نتیجه ردروئی‌های جدید ابرقدرت‌ها در این منطقه بود. در این زمینه نیز با دیده‌نریکات آمریکا و شوروی در بلوچستان ایران اندیشال تحریکات آنها در کردستان سیزدهم دوخت. دیگر ازادامه استقرار صدها هزار سرباز ویتنامی در خاک کامبوج که ویتنام را بصورت سکوی پرش سوسیال امپریالیسم روس در آسیای جنوب شرقی در آورده و تاجا وزات مکرر چین علیه ویتنام که معاهده متحده آمریکا عمل میکند، سخنی بهیسان نمی‌آوریم. اینها تنها گوشه‌ای از بیهم خوردن صف بندی‌ها و آرایش جدید بسوک بندی‌های امپریالیستی است.

در آخر بد نیست به بیسک بقیه در صفحه ۷

رقیب بهبود بخشد. در کنار این حرکت آمریکا به حکیم ورشید نظامی در کشورهای وابسته به خودش بخصوص درخا و رمبا سه می‌پردازد. عوام هواپیماهای اکتشافی آواکس به عربستان سعودی و تقویت نیروهای نظامی مصر و فروش جنگنده‌های هوایی باسن دو کشور، تشدید فعالیت نظامی و تشویق به اعطای مگیری در کشورهای حلیج فارس مخصوصا عمان، شواهدی سراسر ادعا یبند. در مقابل شوروی هم‌کام تفویت گرا- بیات آمریکا رژیم بعشی عراق در پی متحدین جدیدی درخا و رمبا نه میگردد، موفق میشود که رژیم حافظ اسد را خود بیش از پیش خراب نماید و بیسک بیمان دوستی ۲۰ ساله که به اینضمیمه فراراداهای نظامی است با این کشور بینند. مطابق شواهد با نزدیک حکومت لیبی و سوریه و سفر فریب الو- قوع سرهنگ قذافی به مسکو این احتمال قوت میگردد که یک قرارداد دوستی ۲۰ ساله با ضمیمه‌های نظامی با این کشور منعقد گردد. بدینست با آوری کنیم که روسها بهانه نوع قراردادها "دوستی" بود که خاک افغانستان را اشغال کردند. متعاقب سفسر برژنف به هندوستان و عقد قرارداد تحویل سلاح معادل ۱/۲ میلیارد دلار این کشور اعلام میشود که شوروی بسزودی استعدادی میگ ۲۵ در اختیار هندوستان قرار خواهد داد. خانم گاندی هم تقاضای افزایش بودجه نظامی هندوستان را میبنداید. درست در همین

حاشین سال ۲۰ ساله، نه ادامه صلح بلکه بدستسی ادامه روند نظامیگری و بحران جهان امپریالیستی و سوسال امپریالیستی است. گسترش آزمایشات و اختراع سلاحهای نوین مرکبار سددیگر همین مساله است و خودیکی از دلایل کهنه شدن همین فراراداهاست. اختراع موشکهای "کروز" در آمریکا و بمب افکنهای "بگ فایر" توسط روسها، آزمایش قویترین موشک زیر دریایی دنیا با برد ۷۲۰۰ کیلومتر از جانب شوروی و ابداع هواپیماهای جدیدی که قادرند از زنده‌ها عبور کرده و به هواپیماهای نا مرئی مشهور گسترده اند توسط آمریکا فقط نمونه‌هایی است از رقابت در توسعه سلاح‌ها زبر پوشش بیمانی "محدود" کشته شده مسابقات نظامی. دیگر از بودجه‌ای که دو ابر قدرت در زمینه سلاحهای که زبر پوشش صلح آمیز ولی در واقع بقصد جنگ بکار میگیرند، مانع برنامهای فضائی، سخنی بمیان نمی‌آوریم.

نکته دیگری که در- تسلط با نظامیگری قابل توجه است مساله سلوک بندی‌های نظامی و جمع وجور کردن متحدین نظامی است. روی کار آمدن یک حکومت نظامی در ترکیه توسط کودتای آمریکا - بی و بازگشتن یونان به پیمان نا توه بعد از انقلاب ایران که شکسته شدن پیمان سنتورا به دنبال داشت، ازمانورها می‌است که توسط آن آمریکا کوم- تیدتا موقیبت فو- وهمیسا- تانش را در مقابل ابر قدرت

در هر ریختن فراراداهای بیمانی نظامی که هنگام امضاء آنها سران امپریالیسم این فراراداهای را توبد بخش آغاز دورانی از "صلح" و آبنده جوش برای بشریت جلوه می- دهند خود نشانه دنگری است از رشد نظامیگری. در زمستان زمانمداری نیکسون و سپس فرودانواع فراراداهای منع آزمایشات هسته‌ای و قرارداد تحدید سلاحهای استراتژیک (سال ۱) با شوروی با مضام رسید و سر آغاز دورانی بنام "شنج زدائی" اعلام گشت. گویا این دوران در مخالفت با روند "جنگ سرد" آغاز میگردد. سپس در دوران زمانمداری کارتر در سال ۱۹۷۹؛ پیمان سال ۲ امضاء میگردد که به آمریکا بعد به بیانه مداخله نظامی شوروی در افغانستان زبرش میزند. پیش نویس این طرح در کنگره آمریکا مطلق میماند تا با عوض شدن سنگ پاسبان سرمایه امپریالیستی با نسکی دروا شنکتن و برروری اکار آمدن ریگان بعنسنوان نگهبان جدید امپریالیسم آمریکا دور بعدی مسذاکرات آغاز گردد. این خبرگزاری میافزاید از آغازتها جم شو- روی به افغانستان ایستادن اولین مذاکره بین دو ابر قدرت در مورد کنترل سلاح میباشد و هدف اصلی این مذاکراتها که چندین هفته ادامه خواهد داشت تعیین شد مذاکرات آتی در چهار رجب سال ۳ میباشد. سال ۱ و ۲ و ۳ والی آخر میباشد و هنوز از "صلح" خبری نیست. آنچه سال ۲ را چاشمین سال ۱ و سال ۲ را

درباره اوضاع جهانی

بقیه از صفحه ۶

نمونه‌ها زنگا میگری در ایضاد میایی اش بپردا زیم. انتخاب یک نظامی کهنه کار بصرای رهبری دیپلماتی امپریا. سیم آمریکا از جانب ریگان نشانگر این واقعیت است که چگونه سرمایه‌های انحصاری آمریکا برای پست وزارت خارجه نتوانسته اند کسی بهتر از ژنرال سیک جلاذخلق ویتنام، رئیس کاخ سفید آمریکا در دوران افتخار و ترک‌گیت، فرمانده سابق نا ترورئیس یکی از انحصارهای بزرگ امپریالیستی (یونا یسک تکنولوژی کورپوریشن) بیابند. او کسی است که بخاطر نقشش در مقابل با انقلااب ویتنام مدال شجاعت گرفته و تحسین امپریالیسم غرب را برانگیخته است. این انتخاب از این جنبه مورد استقبال امپریالیستهای اروپائی قرار گرفت که هیچ بعینسوان فرمانده نا تا وزیدگا آنها درک عمیقی از لزوم اقتصاد غرب در شرایط بحران عمومی امپریالیستی در مقابل خطر بلوک شوروی دارد. این انتخاب ویژگی ضرورت مقابل بله سبب انقلااب ورقابیت با ابرقدرت رقیب را از جانب انحصارات امپریالیستی آمریکا در خود مستتر کرده است.

۲- بحران اقتصادی

امپریالیستی و نمود

آشکارا ظریفیگری و گندیدگی امپریالیسم

دردوران امپریالیسم تمایل به رکود و گندیدگی افزایش پیدا میکنند و رشد نیروهای مولده مختل میگردد. بحران که در سرمایه‌داری بیماری درمان ناپذیری است دردوران امپریالیسم بعد از هر چند بیشتری میباشد. بحران اقتصادی سرمایه‌داری ناشی از تضاد بین جامعه یعنی تضاد میان کاراجتماعی و شکل خصوصی مالکیت بر ابزار تولید است. بحران اقتصادی سرمایه‌داری به‌داری بحران اضافه تولید است. البته این اضافه تولید بآن معنی نیست که تولید زیاد بعلمت بی نیازی مردم از کالا ایجاد شده است. این اضافه تولید یک اضافه تولید نسبی است. بدین معنی که کالاهای تولید شده خریدار پیدا نمی کند چون قدرت خرید توده‌های زحمتکش پائین است انحصارات برای تامین سود هر چه بیشتر سطح درآمد کارگران را تا حد زیادی پائین می آورند. و با نوین کردن ابزار تولید سعی در تامین حداکثر سود دارند. با بردن کالاهای در انبارها و پائین رفتن قدرت خرید توده‌ها با زار از کالا اشباع میشوند و خریدار نیست. بدین شکل بحران اضافه تولید آغاز میشود. میلیونها کارگر از کار بیکار میشوند، کارخانه‌ها تعطیل میشوند و تولید اجتماعی فلج شده و هزاران هزار توده مردم بخاطر تولید زیاد بده پائین ترین سطح زندگی سقوط می کنند.

از خصوصیات بحران های اقتصادی اضافه تولید در رژیم سرمایه‌داری گرایش وخیم تر شدن این بحرانها و کوتاه تر

شدن تناوب وقوع آنهاست. این امر باین علت صورت می گیرد که در هر دوره بحران فترت عمومی (کاهش قدرت خرید) کارگران بطور نسبی کاهش می یابد و در زمینه بیسینس - لیبلس با غارت خلق توسط انحصارات، مبارزه آزادی بخش دلیل تحت ستم، دانشمندان با زارهای خارجی کشورهای امپریالیستی و فروش کالاهای آنها را تهدید میکنند. بحران های اقتصادی اضافه تولید سرمایه‌داری معمولا هر ده سال یکبار اتفاق می افتد و لسی امروزه مضموم بعد از جنگ جهانی دوم این دوره کوتاه تر شده و دامنه بحران عمیق تر میگردد. دیگر خصوصیات بحران اضافه تولید سرمایه‌داری در شرایط امپریالیسم همراه شدن آن با بحران مالی است که در نتیجه تناوب میان درآمدهای دولت نسبت به مخارج آن بهم خورده، تبعات نا بصورت سرسام آورنی افزایش پیدا میکند. کسری موازنه پرداخت های خارجی کاهش ذخیره طلا و کاهش ارزش پول از خودکامی دیگر این بحران پدافعا است. از ویژگیهای دیگر بحران های امپریالیستی در شرایط کنونی انحصار مضمون تورم با رکود اقتصادی است. بدنبال بحران اضافه تولید قیمتتها سیر صعودی خود را همچنان می پیمایند. با بین ترتیب قدرت خرید پول کاهش یافته و اثرات زیانبار آن بردوش زحمتکشان جامعه هر چه بیشتر سنگینی میکند. در شرایط امروز این بحران اضافه تولید و بحران مالی با بحران ارزی که بیا نگر سقوط اعتبار پول کشورهای سرمایه‌داری است و بحران انرژی هر چه بیشتر در هم میزد و عمق تضادهای جامعه سرمایه‌داری امپریالیستی را هر چه بیشتر آشکارا میکنند.

در بحران اقتصادی موسسات کوچک ورشکست شده و

تمرکز تولید بدست انحصارات بزرگ همچنان افزایش میابد ولی در مقابل مالیات بردرآمد کارگران و زحمتکشان افزوده میشود. سبک‌بازی ابعاد بی سابقه می یابد و عمق تضاد ما بین تولید اجتماعی و مالکیت خصوصی بر حاصل تولید آشکارا تر میگردد و جامعه بورژوا امپریالیستی را در آستانه انقلاب اجتماعی قرار میدهد. در پرتو این بحران اقتصادی رکود و گندیدگی که مشخصه امپریالیسم است شکل بارز و آشکارا بخود میگیرد. "چنانچه دیدیم عمیقترین پایه اقتصاد امپریالیسم انحصار است... ولی با اینحال این انحصار مانده‌ها انحصار دیگر تمایل ناگزیری را بوجود می آورد که متوجه رکود و گندیدگی است." (لنین - امپریالیسم بامثابه ۱۰۰۰۰۰) با مروری کوتاه به روند اقتصادی بزرگترین کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی خوانیم دید که عمق بحران که گریبان گیر این کشورهاست تا چه حد شرایط را برای انقلابات هم در کشورهای متروپل (سرمایه‌داری پیشرفته) و هم در کشورهای تحت سلطه آماده نموده است.

کاهش تولید و تمایل به رکود در تمامی کشورهای امپریالیستی مشاهده میشود. در صنعت فولاد که صنعت مادر نامیده میشود کاهش تولید در تمامی کشورهای امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی دیده شد. درآمد آمریکا نیز از تولید فولاد در ده ماه اول سال ۱۹۸۰ بمیزان ۲۲٪ پائین تر از سطح تولید در همین مدت در سال ۱۹۷۹ بوده است که بدنبال آن ۸۶۰۰۰۰ کارگر صنایع فولاد بیکار شده اند. این تعداد از کارگران بیکار شده معادل ۱/۴ نیروی

بقیه در صفحه ۸

درباره اوضاع جهانی

بقیه از صفحه ۷۷ -
 کارها را این صنعت میباید شد. در
 ژان به متوقف کردن بخش -
 هائی از مراکز تولید فولاد دست
 زده اند و امروز بگور متوسط
 یکی از هر سه کوره ذوب آهن
 بدون مصرف مانده است. در
 اروپا صنعت گاهش تولید فولاد
 در عرض پنج سال گذشته
 ۱۴۵۰۰۰ نفر کار خود را در این
 صنعت از دست داده اند. بازار
 مشترک اروپا بدنبال طرح
 تعیین میزان تولید، بطور
 متوسط میزان تولید را بین
 ۱۲ تا ۱۸ درصد در نه ماه سال
 ۱۹۸۰ تقلیل داده است. در
 شوری نیز که میزان رشد صنعت
 فولاد ۳٪ برای سال های
 ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ برنامهریزی
 شده بود طی سالیهای ۱۹۷۶ تا
 ۱۹۷۹ فقط ۱/۲ درصد رشد
 نشان داده شده است.
 صنایع اتومبیل هم در
 آمریکا دچار رکود و گسادی بازار
 بوده است. بطور متوسط در قاره
 صده بین ۹ مهر ماه تا ۹ آذر
 ماه سال جاری کمی نسی
 کرایه صرف فقط قادر بوده ۲۵٪
 تولیدات خود را بسرش برساند.
 کمپانی فورد بین ۶۰ تا
 ۶۶٪ و کمپانی جنرال موتورز
 بین ۸۰ تا ۸۵٪. ژاپن هم که
 بخش بزرگی از بازار فروش
 اتومبیل آمریکا را بخرسود
 اختصاص داده میزان تولید را
 بخاطر محدودیت های صادراتی
 و تقلیل تقاضای داخلی
 کاهش خواهد داد. قیاسات کمی
 نی معظلم اتومبیل سس سازی
 ایالتی با صنعت تنزل فسرش
 اتومبیل هایش

سست و سه هزار نفر از کارگران
 خود را بمدت ۳ ماه از کار بعلق
 نمود.
 در آمریکا در زمین سه
 ساختمان صنعت با ظرفیت
 میزان بهره را تا حد ۲۵٪
 در شرایط کنونی. حاصل از
 خرید و فروش منزل و حداثت
 منازل جدید لطمه خورده است
 هم اکنون حوازا ساختمان های
 جدید بمیزان ۱۴/۸ درصد کاهش
 یافته است.
 نمودار دیگر گرایش
 رکود افت میزان رشد تولید
 ناخالص ملی است. ایست
 برده در تمام کشورهای
 سرمایه داری امپریالیستی و
 سوسال امپریالیستی تقلیل
 یافته است. تمام محافل
 اقتصادی آمریکا و اروپا بر
 این فرار از اندک تولید ناخالص
 ملی در سال ۱۹۸۰ بسیار نا ازل
 بود و در سال آینده سیر نزولی
 بیستری نشان خواهد داد.
 هیئت اقتصاددانان مجله
 نایم به بررسی میزان رشد
 تولید ناخالص ملی (G.N.P.)
 در چهار کشور اصلی اروپای
 غربی برپا شده و مقایسه
 میزان رشد اقتصادی این
 کشورها در سال ۱۹۸۰ و بین
 یعنی آن در سال ۱۹۸۰ هیچ
 گوشه بهبودی را تا سال ۱۹۸۲
 مشاهده نمیکنند. آلمان غربی
 با ۱٪ رشد تولید ناخالص ملی
 بیش بینی میشود که در سال
 ۱۹۸۱ هیچگونه رشدی نداشته
 باشد. فرانسه که رشدی معادل
 ۱/۶ درصد داشته در سال ۱۹۸۱
 بیش از ۵/۵ درصد رشد
 نخواهد داشت. انگلستان که
 رشد منفی ۵/۵- درصد داشته
 پیش بینی میشود در سال ۱۹۸۱
 رشدی معادل ۱- درصد داشته
 باشد. ایالتی که ۴ درصد رشد
 تولید ناخالص ملی داشته در
 سال ۱۹۸۱ بی بینی میشود
 که هیچگونه رشدی نشان ندهد.
 از طرف دیگر در شوری و کشورهای
 های وابسته بدان نیز وضع بهتر
 از این نیست. کمسوری که در
 دوران لنین و استالین بخاطر

انقلابی شد روابط ترسید و
 باره مالی سوسیالیسم را
 میدان رعدا مت با استی
 سعاد ۱۷ درصد در خورد آرسود
 امروزه در هر جرسری مرشدان
 سوسال امپریالیستی و روش
 در ژنت ایران رسد آن
 هر دیفوسی است در بازار
 کسورهای برانده ای اروپا
 است. یکی از مشخصات انحصار
 شوری عدم نقل و حرکت های
 از پیش اعلام شده است. گرچه
 همیشه در طی دوران بر نامه
 های پنج ساله در بازار هدفهای
 اعلام شده پائین آورده میشوند
 ولی باز هم عین هدف های
 کاهش یافته تحقق نمیپذیرند.
 افزایش درآمد ملی در بر نامه
 جدید ۴ درصد تعیین شده بود در
 مور نیکه این افزایش در عمل
 بیش از ۳/۵ درصد رشد
 صنعتی ۴/۵ درصد تعیین شده
 بود در حالیکه این را بدیجرت
 هم در دسترسید. اصول غله
 اسال قرار بود ۲۱/۵ میلیون
 تن با دونی در عمل بین
 ۱۸ تا ۱۹ میلیون تعیین
 بشود. دست زیا می باشد. سن
 نساج خاصه هند. هند ساج
 بیس بینی شده خاصه هند
 بخصوص در زمینه تولیدات
 شی، کشاورزی، تولیدات
 مصرفی و فولاد. در عرض
 مقابل افزایش بی قسمتی رسال
 گذشته. میزان ۳ درصد در سوزد
 رسال آینده تنها ۱/۸ درصد
 در مدیا خواهد رفت.
 بدینا فضای ورکسید
 تولید بیگاری سرسب آوری
 فسرش با بد. مطابق آمار
 دولت انگلستان تعداد کل
 بیگاران در سال ۱۹۸۰ سال
 جاری ۲۰ میلیون و ۶۲ هزار
 و ۶۶ نفر رسید و سخته گوی
 حزب کارگریش بینی کرد که
 بران بیگاری با سرعت
 بیشتر برر ۳ میلیون و
 سشتراز آن در سال ۱۹۸۰ آذر
 ماه اداره روابط و مطالعات
 بین المللی بانک مرکزی

ایران گزارش داد که مبرزان
 بازار، در بازار مشترک اروپا
 در ماه اکتبر ۳ درصد از ایست
 یاست و به سطح ۷ میلیون و
 ۴۰۰ هزار نفر رسید. پیش بینی
 میشود که در چهار کشور معظلم
 اروپای غربی طی سال آینده
 به بیگاری در آلمان از ۱/۱
 به ۱/۲ درصد در فرانسه از ۲/۹
 به ۸ درصد در ایتالیا از ۱/۷
 به ۱۱/۵ درصد در ایسپانیا از
 ۷/۵ به ۹ درصد افزایش یابد.
 در آمریکا پیش بینی میگردد
 بیگاری از ۲/۵ درصد در سال
 ۱۹۸۰ به ۸/۲ درصد در نیمه دوم
 سال ۱۹۸۱ افزایش یابد.
 اداره روابط و مطالعات
 بانک مرکزی ایران در برنامه
 اقتصادی جهان در سال ۱۹۸۱
 و چنین ترسیم شده است. سال
 ۱۹۸۱ از نظر اقتصادی بران
 کشورهای پیشرفته صنعتی
 سال تاریکی خواهد بود. منو
 سط رشد اقتصادی این کشورها
 بیس از درصد نخواهد بود و
 احتمالاً براتب کمتری از این
 رقم خواهد بود. همچنین تعداد
 کل بیگاران کشورها
 صنعتی از ۲۳ میلیون نفر به
 ۲۹ میلیون نفر افزایش
 خواهد یافت. تورم این کشورها
 اندکی تخفیف خواهد یافت اما
 مسائل در سطح بالائی قرار
 خواهد داد است. "لا و دتوره
 در این کشورها مالیات ها
 افزایش میابد. علیرغم تمام
 پارو و جنای های انتخاباتی
 ریاست جمهوری آمریکا یعنی
 برتانی مالیات ها، مردم
 آمریکا در سال ۱۹۸۱ با بیس
 ۵۰ میلیارد دلار بیس از سال
 گذشته. لیات بهر دازند
 را با انواع اقتصادی، ان
 اسرالیسی و سوسال
 امپریالیستی را نمیتوان
 اظهارات آقای ممشل دادری
 دبیر کل سازمان توسعه و
 همکاری بین المللی اقتصاد
 دی (واستد به سازمان ملل)
 استنباط کرد. او میگوید: از
 زمان تشکیل شمین احساس
 بقیه در صفحه ۹

درباره اوضاع جهانی

بقیه از صفحه ۸

ویژه تاکنون بحران اقتصادی در جهان به گسترش خود ادامه داده و کلیه کشورهای را بدون توجه به سیستمهای اقتصادی و اجتماعی (منظور کشورهای سرمایه داری و روزیونیستی) در بر گرفته است. "اوضاع می کند که: عوامل تورمزا و رکود تقویت شده اند. عدم توان برداشتن افزایش یافته، از تغییرات بنیادی مخالفت عمل آمده و به توسعه کلیه کشورهای لطمه وارد آمده است." در پی اسفدیک جنبین بحران زرفی است که رشد مبارزات کارگران و مردم کشورهای سرمایه داری امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی معنی و مفهوم خاصی مباد.

بدنبال بحران اقتصادی دی بحران سیاسی چشمگیری می شود. لندن این خصوصیت طفیلیگری امپریالیسم را چنین بیان میکند: "ارتجاع سیاسی در تمام شئون ویژگی با زرا امپریالیسم است. فساد، رشوه خواری در سطح وسیع و تمام انواع شیادها". (امپریا - لیسم و انشعاب در سوسیالیسم) تحویض پی در پی کا بینه های دولت های امپریالیستی و کشورهای وابسته آنها، اشاعه فساد و رشوه نمودن مبارزان بحران سیاسی است. انتخابیات ریاست جمهوری و پیروزی ریگان بر کارتر در آخرین ماه های سال ۱۹۸۰ خود بیانگر یک بحران در هیئت حاکمه آمریکا است. این اولین باری

است، پس از سالهای متعددی، که رئیس جمهوری بعد از سال در مسابقه انتخاباتی توسط رقیب کناری می رود. در ایالتی، انگلستان، ژاپن وضع بهمین منوال است. در شوروی رهبری کشور دستخوش تغییر می شود. الکسی کاسیگین سیاستمدار کهنه کار روزیونیسم روس از کار برکنار می شود و بند نشا لس معاون او هم استعفا می دهد. در لهستان بدنبال بحران اقتصادی و مبارزات کارگران ادوار دیگر رهبر حاکم

ما یروز" با تنها مد ریافت رشوه از عضویت مجلس اخراج گردد. در انگلستان ژوزف کاسگان لرد انگلیسی بخاطر دزدی و سوء استفاده از مقام به ۱۸ ماه زندان محکوم شد. در شوروی "ویا شلاوورونکو" شهردار "سوکی" بجرم فساد و گرفتار شدن رشوه های گوناگون به ۱۲ سال زندان و مصادره اموال محکوم شد. در ایالتی مقامات عالی رتبه ۲/۲ میلیارد دلار مالیات نفت را به جیب زدند. تحقیق در ۱۸ شهر این

○ سران حکومتی با گرفتن رشوه و اعمال قدرت در زمینه های مختلف گندیدگی امپریالیسم را عربیان ترمی کنند. در آمریکا مجلس نمایندگان آمریکا با تفاق آراء تصویب نمودن مایکل ما یروز با تنها مد ریافت رشوه از عضویت مجلس اخراج گردد. در انگلستان ژوزف کاسگان، لرد انگلیسی، بخاطر دزدی و سوء استفاده از مقام به ۱۸ ماه زندان محکوم شد. در شوروی ویا شلاوورونکو، شهردار "سوکی"، بجرم فساد و گرفتن رشوه های گوناگون به ۱۲ سال زندان و مصادره اموال محکوم شد. در ایالتی مقامات عالی رتبه ۲/۲ میلیارد دلار مالیات نفت را به جیب زدند. تحقیق در ۱۸ شهر این کشور آغز شده و ۲۵ نفر که شامل روسای گمرکات، صاحبان پالایشگاه های نفت، روسای کمیانی های حمل و نقل مواد سوختی هستند دستگیر شده اند. اینها فقط قطره ای از اقیانوس فساد و گندیدگی امپریالیسم است که گاه افشاء می شود.

لهستان برکنار می شود و گروه جدیدی از غلامان کرملین بر مسند قدرت در ورشو تکیه می زنند. در چین بحران سیاسی همچنان ادامه میابد و سرنوشت هوا کوفتک روزیونیست بسه عنوان صدر حزب روزیونیست چین بزیر پرده ابهام می رود و الی آخر... این بحران سیاسی همواره با نمونه هایی از افتخارات سیاسی اجتماعی توأم می گردد. سران حکومتی با گرفتن رشوه و اعمال قدرت در زمینه های مختلف گندیدگی امپریالیسم را عربیان ترمی کنند. در آمریکا مجلس نمایندگان آمریکا با تفاق آراء تصویب نمودن "مایکسل

کشور آغز شده و ۲۵ نفر که شامل روسای گمرکات، صاحبان پالایشگاه های نفت، روسای کمیانی های حمل و نقل مواد سوختی هستند، دستگیر شده اند. اینها فقط قطره ای از اقیانوس فساد و گندیدگی امپریالیسم است که گاه افشاء می شود. دیگر از شما بل امپریا - لیسم به ارتجاع سختی به میان نمیآوردیم، چه این مساله را خلقهای جهان مدت ها است که با گوشت و پوست خود احساس می کنند که چگونه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم از ارتجاعی ترین و فاشیستی ترین حکومت های جهان سرعلیه میا. ارزات آنان حمایت میکنند.

البته این گرایش در کشورهای امپریالیستی نیز به نحو بارزی خود را در سرکوب مبارزات کارگران و جوانان انقلابی و مردم این کشورها عربیان میسازد.

دیگر از خصوصیات طفیلیگری و گندیدگی امپریالیسم رشودیک قشر تنزیل بگیر است. "مدور سرمایه که یکی از مهمترین ارکان اقتصادی امپریالیسم است بیش از پیش این برکناری کامل قشر تنزیل بگیران را از تولید تشدید می کند و بر تمام بیکر کشوری که با استثمار از کارچند ما و راه اقیانوس و مستعمرات گذران می کند مهر و نشانی طفیلی گری میزند" (لنین - امپریالیسم یا سوسیالیسم؟ ۱۹۱۷). امروزه سودها شی که انحصارات امپریالیستی از کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین بچنگ میآوردند و رقاب نجومی را تشکیل می دهد. در طی سال های ۱۹۷۷ - ۱۹۷۰ این انحصارات ۲۲ میلیارد دلار سود بچنگ آورده اند که سهم انحصارات آمریکا شی ۲ برابر بیش از سایر کشورهای سرمایه داری است. شوروی امپریالیستی هم از این عنوان بخواهی نصیب نمانده است. انقضای ۳ سال در اشراف زرگانی نابرابری شوروی، این کشورها کسر موازنه با زرگانی بیش از ۸ میلیارد دلار با شوب روی دارند. میزان وام داده شده به کشورهای کم رشد از طرف کشورهای سرمایه داری امپریالیستی در سال ۱۹۷۱، ۶۴/۱ میلیارد دلار بوده که در سال ۱۹۸۰ به ۳۲۵/۵ میلیارد دلار رسیده است. یعنی حجم وام دریافتی این محالک طی ده سال بیش از ۵ برابر شده است. شوروی سوسیال امپریالیستی نیز با صدور سرمایه و اعطای وام کشورهای زیادی را بزیر آسارت خود گرفته است. بطور نمونه هندوستان با یدیا بست

اینها کیستند...

بقیه از صفحه ۳

بپای اجتماعی باشد. ملت ایران چگونه میتواند پرچمی بنام "خط امام" را بپذیرد؟ "محک و معیار" قبول داشته باشد که در زیر آن از سریرترین افراد و جریانهای سیاسی تا وابستگان به ابرقدرتها تا جریانات خرده سوز و زوایی شرقی جمع شده اند! ملت ایران چگونه میتواند "خط امام" را که در جایی آن را "نه شرقی و نه غربی" میدانند و در جای دیگر فقط آن را "نه غربی" و بیازدر مکانی دیگر آن را فقط "نه شرقی" تبلیغ میکنند، بعنوان "محک و معیار" بازشناسی نیروهای سیاسی قبول داشته باشد؟

... ملت ایران، وطنه، کارگردان این اوضاع و احوال در این مرحله از تشکله انقلاب ایران، تنها محک و معیار مرزبندی بین نیروها و تقسیم آنها به مترقی و مرتجع را موافقت و مخالفت با آزادی و استقلال ایران میدانند و بس!

سازمان محاهدین انقلاب اسلامی و آن جناحی که جز آنست، مرتب به ما بگوید که "خط امامی" هست یا نیست، بما بگوید که در راه آزادی و استقلال مبارزه میکنند یا نه؟ بما بگوید که خواهان بسط و گسترش آزادیهای اجتماعی و سیاسی در درون جامعه هست یا نیست؟ بما بگوید که خواهان مبارزه بر علیه هرگونه سلطه خارجی و دربرای آنها کوتاه کردن دست ابرقدرتها از ایران هست یا نیست؟ برای قائلان قهیم نیست که سازمان محاهدین انقلاب اسلامی خسودرا "خط

امامی" میدانند یا ضد "خط امامی"!! فلسفی - خطیب شهیر کودتای ۲۸ مرداد هم خود را "خط امامی" میدانند، بیشتی و خامنه ای هم خود را "خط امامی" میدانند، آیت کودتاجی و دارودسته اش در حزب جمهوری هم خود را "خط امامی" میدانند، بنی صدر هم که شما او را "خط امامی" میدانید خود در بسیاری مواقع خود را "خط امامی" میدانند، و امیدواریم فراموش نکرده باشید که دریا - دارمدنی هم خود را "خط امامی" میدانست و بیروی پلاکاردهای انتخاباتی اش حمله - معسوف رهبر خمینی رئیس جمهور مدنی "نقش بسته بود و در دوازده ها از شعار "مدنی در خط امام" پر شده بود!! و آیا با زهم می - خواهید "خط امامی" هارا برایتان بشماریم؟ حزب توده هم خود را "خط امامی" میدانند، چریکهای اکثریت هم خود را "خط امامی" میدانند!! و کیست که بوی قدرت بمشامش رسیده باشد و خود را "خط امامی" نداند؟! البته هستند نیروهای صادقی که از روی خلوص نیت خود را بیروما خمینی و "خط" او میدانند، ولی آنها هم هنوز مختمات این "خط" را روشن نکرده اند و "خط امامی" ها بطور روشن و صریح نکشیده اند.

سازمان محاهدین انقلاب اسلامی و آن "جناحی" که ایشان جز آن هستند با بدروشن کنند که نقض کلیه آزادیهای سیاسی مردم را بوسیلده اعوان وانما - رشان چگونه توجیه میکنند، آیا اینهم حزشی از "خط امام" است؟ سازمان محاهدین انقلاب اسلامی و آن "جناح" با بدروشن کنند که ساخت و پاختشان بسا امیریا لیس آمریکا بر سر مساله گروگانها را چگونه توضیح می - دهند، و آیا سازش با آمریکا هم حزشی از "خط امام" میباشد؟ بنابرین، این جماع تکفیر "خط امام" معیار و محکی است

کاذب. کاذب از آن لحاظ که اولاً بدروستی مختصات آن معلوم نیست و ثانیاً اینکته هر جریان اجتماعی و سیاسی از آن توجیه و تفسیری متفاوت بدست میدهد و منطبق بر امیسال و آرزوهای طبقاتی خود به این "خط" حامه و لباس می پوشانند، و ثالثاً منتسب به یک جریان سینا بیتی و نوسانی در درون جامعه است، این جماع تکفیر با پیدا ز سرملت برداشته شود، ملت فقط یک معیار بر سرای سنجش نیروهای سیاسی و صداقت آنها دارد: اینکته این نیروها تا چه حد و چگونه در عمل برای آزادی و استقلال ایران و پیشبرد انقلاب کوشش و مجاهدت میکنند! همین و بس، حال هرنامی میخواهید سر آن بگذارید! ما آن را موافقین و مخالفین آزادی و استقلال ایران میگذاریم.

سوم خط آمریکا و

خط جناح کدائی:

سازمان محاهدین انقلاب اسلامی در این نامه سرگشاده کوشش کرده است تا با اصطلاح مختصات "خط آمریکا" را برای از میان برداشتن انقلاب برای خوانندگان بشکا فدویه مردم با اصطلاح هشدار بدهد، سازمان محاهدین انقلاب اسلامی نکته را در این باره رشموده است: ۱- ایجاد جو "یاس" و "بدبینی" - مردم نسبت به کل انقلاب، ۲- شکستن تقدس ما و تضعیف و کنار زدن روحانیت از سیاست، ۳- منزوی کردن ارتش!!، ۴- تضعیف نهادهای انقلابی و ۵- تضعیف قوای سه گانه (مقننه - قضائیه - مجریه). البته ایشان این خط را "خط آمریکا" (این چنین بر شمرده اند تا بسا ثابت کنند که بنی صدر و اتحاد نا همگون" پشت بنی صدر هم درست همین خط کار را دارند و انجام میدهند و سپس "فا تاحانه"

اعلام کنند که "بینش شما (بنی صدر) را... متأثر از غرب می - شناسیم" و الخ. اینست ادعا - های این دولتمداران پنهان - کار!! ولی اجازه دهید کمی موضوع را بررسی کنیم.

ما فعلاً کاری به کار بنی - صدر و جناح "فا تاحانه همگون" نداریم. ما فعلاً کاری نداریم به اینکته چگونه بنی صدر و یاران کنونی اش جو بزیر نظر ارنش شده اند. ما فعلاً کاری نداریم به اینکته چقدر طرز تفکر این حضرات غرب گرا هست یا نیست، ما میخواهیم به سا زمان مجاهدین انقلاب اسلامی و جناح ایشان بر دازیم و کمی هم کارنامه ایشان را بازشکافی کنیم.

سازمان محاهدین انقلاب اسلامی میگوید که "بزرگترین آرزوی آمریکا حدا کردن مردم از انقلاب میساشد"، که آمریکا میخواهد تخم "یاس" و "بدبینی" را نسبت به انقلاب در دل مردم بنشانند... گوینا حضرات کشف بدیعی فرموده اند: "آمریکا میخواهد مردم را از انقلاب جدا سازد" و تخم "یاس" و "بدبینی" را در دل مردم بکار رانکند، ولی چه کسی این کار را، این زمینه سازی را برای آمریکا انجام میدهد؟ چه کسی با اعمال و رفتارش بیش از هر نیرو و هر "جناحی" این تخم "یاس" و "بدبینی" را در دل مردم میکارد و با اصطلاح مردم را از انقلاب "حدا" میسازد؟ اصلاً چرا مردم "مایوس" و "بدبین" میشوند؟ چون بنی صدر نامه اش نوشته است که مردم "بدبین" هستند؟ و بسا اینکته بخاطر اینست که آرزوها و آمالی که از انقلاب داشتند، برآورده نشده اند؟ کدایمیک؟ چرا کارگران "بدبین" می شوند؟ زمانیکه در کارخانه ها دغانیات، کارگران سودویزه که حق مسلمشان هست، میخوا -

اینها کیستند...

بقیه از صفحه ۹۰

هفت، ولی جواب می‌شوند که گویا این واحد سودی نبرده است، بدین نحو سود و حق دارند نسبت به آن کسانی که این چنین دروغ‌سازگی می‌گویند بدبین شوند! حق دارند چون می‌بینند که در عرض یکسال گذشته قیمت رسمی سبکا ۲ برابر شده، و قیمت غیر رسمی آن چهار برابر! بدین می‌شوند زمانیکه مسئولین مملکتی، از لیبیرال و "خط" ما می‌مرتب به کارگران می‌گویند و احوای تولیدی سودی نبرده اند، و شما کارگران باید مشقات حاصل را تحمل کنید، ولی در همان حال عرضه ندارند که یقه‌عده‌ای محتکر را کسبه قیمت سبکا را رسماً و علناً بر قیمت رسمی دولتی می‌فروشند، را بگیرند و محازات کنند، و حق دارند که بگویند همین دست‌اندرکاران حکومتی با این محتکران شریک هستند! زمانی که کارگران کانا دارای سود ویژه می‌خواهند، حق خود را می‌خواهند، و عده‌ای اوباش را با سبک‌داری بجان آنها می‌اندازند و نفرز این زحمت - کتان را بخون میکشاند، انتظار دارند آنها "بدبین" و "مایوس" شوند؟ آنها حق دارند بدبین شوند، ولی لزوماً آنها با انقلاب بدبین نمی‌شوند، بلکه بدبختی به شما بدبین می‌شوند و حقیقت دارند!

مردم بر علیه استبداد محمد رضا شاه می‌خواستند، مردم بر علیه خفقان و ترور و اختناق آریا مهری بلند شدت، خواستار

آزادی زندانیان سیاسی شدند، خواستار حق بیان و حق اجتماع و آزادی عقیده و... بودند و بیه خاطر آن هزاران هزار شهید دادند. ولی زمانی که بعد از یکسال می‌بینند که عده‌ای، "جناحی" که شما هم جزو آن هستید، زندانها را دوباره از کسانی که عقایدی مخالف "جناح" گذاشتی دارند انباشته می‌بینند، مطبوعات و روزنامه‌ها را سانسور شده و توقیف شده می‌بینند و... آری در این صورت است که مردم "بدبین" می‌شوند و "مایوس" ولی وظیفه ما این نیست - وظیفه ما که جزء هیچ یک از جناحها نیستیم - اینست که "بدبینی" مردم را از انقلاب به طور کلی به جناح شما و شریکان شما در قدرت متوجه گردانیم!

ولی ایجاد دایس و بدبینی تنها سیاست آمریکا نیست، آمریکا می‌خواهد انقلاب را سرکوب کند، و برای اینکه انقلاب را سرکوب کند با مردم را سرکوب کند، سیاست آمریکا در نهایت سیاست سرکوب و فاشیسم، سیاست کودتاگری و تحسار و سیاست قلع و قمع نیروهای انقلابی، سیاست ترور و خفقان و اختناق، سیاست شلاق و پلیس مخفی بازی، سیاست لگدمال کردن دستاوردهای بخون‌ریک آمده مردم، سیاست سرکوب قدم بقدم و حرکت‌های آنان است. اینست حننه نهائی و اصلی سیاست آمریکا و همه آن زمینه سازیها و ایحاء "یاس" و "بدبینی" ها بخاطر هموار کردن جاده این سیاست اصلی است. و آن کس که بحای افشای این سیاست، عنوان کند که گویا آمریکا بجرم "آزادیخواهی" را در ایران بدست دارد و آزادی و آزادی خواهی، سیاست آمریکا است!!

است، آن کس بقیه داشته باشد که قصدی جز پوشانیدن اعمال آمریکائی - و یا شاید روسی و کلابز دور صفته خوش ندادند! و این کس و کسان، اساساً جزو ارباب محسوس

"انقلاب اسلامی و برادر بزرگتر هم جناح" شان - حزب جمهوری - نیستند! این حزب جمهوری و سازمان محاهدین انقلاب اسلامی و "جناح" گذاشتی شان است که بطور منظم، با سرمایه و نقشه مند، به سرکوب انقلاب پرداخته اند. این "جناح" گذاشتی است که در اساس همه آن آزادیها را که مردم با خون خود بدست آوردند، لگدمال کرده است.

کیست بجز این حزب گذاشتی و "جناح" بدنام که ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک و اولیه ترین آزادی های اجتماعی را سرکوب میکنند؟ کدامین دسته و گروه در این مملکت است که بطور سازمان - یافته در سرتا سر کشور مسئولیت

حمله به اجتماعات، دکه های روزنامه فروشی، دفاتر گروهها و سازمانهای سیاسی، ضرب و شتم افراد سیاسی مخالف و... را بعهده گرفته است؟ کدامین گروه و دسته در این مملکت است که نیروهای شبه نظامی علنی و مخفی در سرتا سر کشور بوجود آورده است و کثیف ترین و شنیع ترین اعمال ضد انسانی را انجام میدهد؟ کدامین دسته و گروه سیاسی است که تمام می سنن "یرافتخار" دوران آریا - مهری را تحت لوای "شرع مقدس" زنده میکند؛ شکنجه را بنام "حذر عی" (تا حد فرو کردن قیچی به نقاط حساس بدن در رشت بدست قاتل حرفه‌ای و معتادی بنا می‌رویزد اکسری - قاتل محاهد شهید در هفته قبل) زنده کردند و قاتل را تا آن حد به بیش بردند که حد آگوشش در آمد و هیات بررسی "شایعه"!! تشکیل دادند و حتی امامتشان هم خود را از آن بری دانستند و حساب خود را از حساب شما جدا ساخت؛ کدامین دسته و گروه سیاسی تعصب و ابداء و اذیت انقلابیون را تحت نام مبارزه با "کائوس" و "سائین" آزاد

اعلام میکنند و... آری کدامین دسته و گروه سیاسی است که همه این اعمال ضد آزادی و آمریکا شادکن را انجام میدهد و آسودت آنقدر رو و وقاحت دارد که داد و فغان راه بیندازد و برای پوشاندن اعمال خود مبارزه سرای آزادی را "خط آمریکا" تبلیغ کند؟ چه کسی جز خود آمریکا - و یا شاید روسها - از اینکه مردم آریا مبارزه را از دست بدهند سود می‌برند؟ چه کسی دست آمریکا - و یا شاید روسها - را در این میان بازی میکند؟ اساساً چه کسی جز آن "جناحی" که سازمان محاهدین انقلاب اسلامی هم جزء آن است؟! ادامه دارد

درباره اوضاع جهانی...

در صد بهره اعتبارات و وام - های دریافتی از شوروی سالانه ۲ میلیارد روپیه با این کشور بپردازد که این رقم معادل ۱/۳ ارزش صادرات هندوستان است. در حالیکه سرمایه‌های انحصاری امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی در این کشورها سود سرشاری را بخود اختصاص داده اند چیزی جز فقر و خانه خرابی عابد مردم کشور - های وام‌گرفته نمی‌شود. این کشورها در شرایط بحرانی امپریالیستی با رنگینی را که از طرف امپریالیست‌ها به آنها تحمیل می‌شود بردوش می‌کشند. در این کشورها یک میلیون و پانصد هزار نفر در گرسنگی بسر می‌برند و ۴۰ درصد جمعیت بیکارند. مانگیس طول عمر در این کشورها کمتر از ۴۰ سال است. در مقابل چنین منظره‌ای است که روند تضاد میان امپریالیسم، سوسیالیسم امپریالیسم و یکطرف خلقهای تحت ستم جهان از طرف دیگر شدت مبارزه و نبرد بین جنبک جهانی و آزادی دگرزمینه انقلاب آزادی بخش در جهان گسترش می‌ابد. ادامه دارد

پاسخ به ...

گر برای رهایی کل جامعه و از جمله خود به اهتزاز در میآورد، بر-
جعی باشد متعلق به طبقه خود و نیز کمائی آنرا بدست گیرند که
واقعاً نماینده طبقه کارگر باشد. ثانیاً به این معنی است که
علیرغم لزوم ایجاد تشکیلات های غیر پرولتری و شرکت نمایندگان
طبقه کارگر در آنان، طبقه کارگر با دست تشکیلات - حزب -
خود را دارا باشد. ربه هیچ عنوان اجازه ندهد که نیروهای طبقه
تی دیگر در این تشکیلات - یعنی حزب - حضور داشته باشند.
طبقه کارگر تنها از طریق حزب خود است که میتواند: اولاً رهبری
خود را متجلی سازد و ثانیاً از طریق آن در سایر جریانات غیر کار-
گری نفوذ کرده، آنان را تحت رهبری خود قرار دهد. تا مین صف
مستقل طبقه کارگر به این معنی است و این کاملاً با حداسازی
تصنیعی و خود ساخته گروههای چپ نما مفایرو فدیته دارد. بدست
آوردن این نوع صف مستقل - یعنی سیاست و ایدئولوژی مار-
کسیست - لنینیستی از یکسو و ارکان تشکیلاتی رهبری کنندگان از
سوی دیگر - برای طبقه کارگر - نه با شعارهای خود فریبانه و
عوا مغربانه میسر است و نه اینکه از قبل میتوان آنرا فرض
شده در ذهن خود تلقی کرد. رهبری هر جنبشی از آن کسی است
که اولاً در برابر تضادهای اساسی و عمده جامعه صحیح ترین پاسخ
ممكنه و قابل درک و قبول برای توده مردم را داشته باشد و ثانیاً
این مهمترین ریز هست که تا چه اندازه ای در متشکل کردن، متحد
کردن و سازمان دادن توده مردم... پشتکار و وحدیت عملی
بخرج دهد.

روشن است که بحث پیرامون این مساله بسیار است. لیکن

این ستون مجال پاسخ بیشتر را میگیرد.

طبقه کارگر تنها برای خود نمی جنگد، بلکه برای تمامی
طبقات تحت ستم به مبارزه بر میخیزد. در صورتیکه برای سایر
طبقات چنین نیست. بنا بر این درک است که طبقه کارگر آگاه
به شعور طبقاتی خود نسبت به تمامی رویدادهای اجتماعی و حر-
کات و منافع افراد و طبقات جامعه حساس بوده و با کنجکاو وی آنان
را از نظر میگذراند. طبقه کارگر آگاه خود را داخل مبارزه
دهقانان - نزدیک ترین متحدین انقلاب دموکراتیک و سوسیال-
لیستی - میکند، در سمت و سو و جردن و مد آن دخالت میورزد و میگوید
شاید این طبقه کثیرالعدد را از ذخیره بورژوازی به ذخیره پرو-
لتاریا تبدیل نماید. در مورد نقش و جایگاه خرده بورژوازی در
انقلاب دموکراتیک بعنوان متحد نزدیک پرولتاریا و در انقلاب
سوسیالیستی بعنوان نیرویی قابل اتحاد دلی با حالت بینا -
بینی و در باره بورژوازی ملی در انقلاب دموکراتیک و ملی به
عنوان نیرویی متزلزل و نوسانی که با سیاست محتاطانه ای باید
به نقش دوگانه آن (ضد انقلابی و مترقی) برخورد نماید. هر
حال در مورد ارتجاع - فئودالها و سرمایه داران وابسته، هر
چند که از نظر طبقه کارگر آنان دشمنان انقلاب هستند، لیکن در
تا کتیک برخورد طبقه کارگر نسبت به این دشمنان و جناحهای
مختلف آنان، بر مبنای شرایط مختلف و صف بندیهای درون آنان
سیاست ها و روشهای گوناگونی بکار میبرد. آنچه که در اینجا نیز
مطرح میباشد این است که طبقه کارگر نسبت به این طبقات در
تا کتیک خود سیاست بهره برداری از تضادهای درونی ارتجاع و در
استراتژی خود سیاست سرنگونی کلیت آنرا پی گیری مینماید.
بنا بر آنچه آمد، طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک نه
تنها نسبت به حرکت سایر طبقات بی تفاوت نیست بلکه وظیفه
مرکزی طبقه کارگر در انقلاب همانا بسیج تمامی نیروهای متر-
قی بر علیه دشمنان مردم و انقلاب میباشد.

برخی گروههای چپ نما و تروتسکیسم زده تصور باطلی دارند
که گویا حفظ استقلال طبقه کارگر در انقلاب به معنی جدا کردن
فیزیکی طبقه و تشکیلات های مربوط به آن از سایر اقشار و طبقات
است. لزوم ایجاد تشکیلات های دموکراتیک توسط پیشروان طبقه
کارگر از سوی این چپ نمایان نفی میگردد. هر تشکیلاتی که
اینان در میان بخشی از مردم بخواهند برآوردند، با یستی حتماً تا -
بلوی سازمانی ایشان بر سر در آن نصب شده باشد. چه در میان
کارگران چه در میان روشنفکران و دانشجویان ما تا همدچنین حر-
کت تفرقه افکنانه میباشیم که کارگران و نیروهای مترقی روشن -
فکر را شقه شقه کرده و به تفرقه در میان آنان پا میدهند.

لیکن آنچه که ما رکسیسم - لنینیسم از حفظ صف مستقل طبقه
کارگر منظور دارد، همانا آنست که اولاً خط مشی ایدئولوژیک و
سیاسی آن - حزب و یا سازمان های کمونیستی - خط مشی مار-
کسیست - لنینیستی و عاری از رسوبات خرده بورژوازی و بی-
رژوایی باشد. بدین صورت که مسایل اجتماعی مقابل پای
انقلاب را اکیداً از نقطه نظر واقعاً مارکسیست - لنینیستی و علمی
برای همگان طرح نماید و تحلیل و پاسخ های نسبت به مسایل
اجتماعی و افعال از این نقطه نظر نشأت بگیرد. بزجمی که طبقه کار-

حقیقت

ارگان
اتحادیه کمونیستهای ایران

را بخوانید
و بخش کنید



در این جاسوسخانه

نقدیه از صفحه آخر به داده شد که دولت شوروی لازم میدانند بار دیگر مسئله تضمین امنیت ادا را ت شوی و پرسنل آنها را در جمهوری اسلامی ایران مطرح کند.

"تاس در گزارش خود اضافه کرده است که وزارت امور خارجه شوروی تا کید کرده است که کسی نباید شک داشته باشد که اگر ایران نخواهد و یا نتواند ادا می برای حفظ امنیت اتباع روسیه انجام دهد، شوروی مجبور خواهد شد خود اقدامات لازم را بعمل آورد.

(اطلاعات ۲۲ دیماه، تا کید از ما است)

کارگران و...

باتیاه از صفحه آخر سابق را منحل کرده و شوروی جدیدی استخاب میکنند. جناب دانشیاران که دستش از شوروی کوتاه شده بود تلاش زیادی بکار میبرد تا بلکه در هیئت مدیره باقی بماند و "وظایف" خود را کماکان به پیش برد، ایشان تمام تلاش خود را برای تفرقه اندازی با ایجا دستخج و درگیری در میان کارگران انجام میدهند تا با این طریق بتوانند شورای حدید را کوبیده و برای خودشان تنمه، آبرویی کسب کند. لازم به تذکر است که این جناب در کارخانه سمت دیگری نیز دارد و آن ریاست انجمن اسلامی کارخانه است که فعلا لیت فدکا رگری او از طریق این ارگان نیز به پیش میرود. سمت ایشان در انجمن اسلامی نیز که از قبل پیش بینی شده بود تا اگر احیاناً از شوراپائین کشیده شدند از طریق این ارگان بتوانند اعمال فدکا رگری خود را ادا مدهند، بهر حال ماهیت پلید این انجمن بر همه کارگران روشن است. وجود این شخص منفور و انجمن اسلامی و رابطه همه اینها با حزب جمهوری تجربه مستقیمی برای

کارگران جهت پی بردن به ماهیت حزب کذافی شد. یکی از حرکات اخیر جناب دانشیاران که بدکاران در شناخت از حزب جمهوری کمک نموده و موضع آنها را بر علیه این جریان ارتجاعی محکم تر نمود، کوشش او در ایجا دستخج و اختلاف در میان کارگران در جلسه عمومی چهارم ماه در کارخانه بود. قضیه بدین منوال بود که جریان انجمن اسلامی میخواست بهر طریق شده و بسا نوطه های مختلف دانشیاران را در هیئت مدیره (که شامل دونفر از دولت و دانشیاران بود) در کارخانه بقاء نماید. انجمن اسلامی از ابتدای روی کار آمدن شورای حدید نیز بیطسور بدو تبلیغ میکرد که اعضای شورای حدیده "بهائی" و "غیر مسلمان" هستند. جلسه با سخن رانی رئیس شورای حدید شروع شد، او پس از ذکر شمدهای از فعالیت های رفاهی شورای حدید باین نکته رسید که "آقای دانشیاران با یستی از هیئت مدیره کناره برد و بجای ایشان فرد دیگری از شورای حدید قرار گیرد." در اینجا عوامل شورای قبلی دست بگاردند. یکنفر از آنها گفت که خوب اشکالی ندارد آقای دانشیاران در هیئت مدیره باقی بمانند و یکنفر دیگر

هم انتخاب شود و چند نفر دیگر سیزالده اکبر گویان پشت او را گرفتند و خواستند طبق معمول با این شیوه حرف خود را پیش برده و با مطلاع بضرر تکمیل جناب دانشیاران را در پست خود بقاء نمایند (لازم به یاد آوری است که آقای دانشیاران در شما مطلق سخنرانی در غیبت جلسه نشسته بود و با مطلاع می خواست نشان دهد که هیچ نقشی در این ماجرا ندارد و خواست کارگران است که او در پست خود ابقاء شود و فقط بعضی مواضع لیخندهای "ملیچی" میزد. به هر حال کارگران که در تجربه خود به "کارآئی" این شیوه ها از طرف ایادی حزب جمهوری آشنائی پیدا کرده اند بد رستی اعلام داشتند که رای گیری در این زمینه نه با "الده اکبر" بلکه بصورت مخفی میبایستی صورت گیرد و با این طریق تیر آقایان انجمن اسلامی چی به سنگ خورد. آنها اگر چه با ایجاد شلوغی و تشنج توانستند جلوی روند طبیعی جلسه را بگیرند اما (بقیه در صفحه)

ایران در گوشه و کنار جهان ساز شده و اخباری در این مورد روزها مدهای امپریالیستی در کرده است. اینک ابر قدرت روس پس از گذشت سه هفته از اشغال موقتی جاسوسخانه اش دوباره بشکر این افتاده که "باردگر" این مسئله را "مطرح" کند و در طی آن یک اولتیماتوم آشکارا بدون "شک" و شبهه به ملت ایران و انقلاب ایران بدهد. زنگ های خطر را از سوی این ابر قدرت در چه بیشتر به صدای آورد. قوس های تجاوز امپریالیست آمریکا از جنوب، وزنگ های آمریکا از شمال بصدای امده است. هشیار باید! اولین قدم متدین در خنثی کردن این اولتیماتوم روسیه علیه ملت ایران تخریب کردن در این یکی دیگر جاسوسخانه میبایست!

می شکنند. ابر قدرت روس بهتر است دم دستنگا جاسوسی اش را از اینجا جمع کند و برود. هیچ کس از آخا دولت ایران که به انقلاب خود وفا دارند خیال "حفاظت" از منافع شوروی امپریالیستی را در ایران ندارند، ایشان بهتر است بسا ط خود را جمع کنند و کور خودشان را کم کنند و در جای اولشان باشند! ملت ایران باید هشیار باشد! همانطور که در شماره پیشین "حقیقت" نوشتیم نغمه های شومی در مورد سنازش دو ابر قدرت سفاک بر سر نجرسیه

ندارند، و گرنه شوروی سوسیال امپریالیستی مجبوره است تا اقدامات لازم" خواهد بود! این یک اولتیماتوم وقیحا نه و آشکارا است. ولی ابر قدرت روس بهتر است بدانند که ملت ایران با این اولتیماتوم های فاشیستی از میدان مبارزه خارج نخواهد شد. این ملت پرافتخار، در برابر تمساح اولتیماتوم های همپسالی روسیه، یعنی آمریکا، ایستاد، و نه تنها در مقابل اولتیماتومها، بلکه در مقابل تجاوز و توطئه آشکارا امپریالیسم آمریکا نیز ایستاده و آن را

آرپامهری

بقیه از صفحه آخر... اینست که فلسفی به خطیب آرپامهری معروف است و خنا... منهای به خطیب حزبی! همه اینها، از فلسفی واستادش آیت اله کاشانی، تا خا منهای و همپالگی های حزب... اش

حمایت عوامل

بقیه از صفحه آخر... ری زمین به کسانی است که مسکن ندارند و قدرت مالی و امکان دستیابی به مسکن بی بهره اند. سازمان عمران و اراضی استان مرکزی در اسفند ماه ۱۳۵۸ ایجا شد و از آن زمان تا کنون حدود ۱۱۰۰۰ قطعه زمین به مردم واگذار کرده است و هم چنین اراضی و زمینهای تعداد زیادی از زمین داران بزرگ و زمینخواران بزرگ را در شهر اراک ضبط نموده است. این سازمان در رابطه مستقیم با هیئت هفت نفره "ترازداشته" و با آن همکاری نزدیک دارد. اگر چه در طول حیاتش اعمال نفوذهای در کارش شده و اشتباهات صورت داده است، ولی در مجموع عملکردی مردمی داشته و به ضدیت با فئودالها و زمینخواران بزرگ اراک بلند شده است. همین امر موجب خشم این زالوهای شهر اراک شده و کمر به نابودی آن بستند، و برای این منظور از عوامل حزب جمهوری و دسته های او... با آن کمک خواستند. مقدمات کار را روحانیون وابسته به حزب جمهوری، در شهر

همگی در سرسپردگی به استبداد و تکیه بر طبقات ارتجاعی و انگلی جا معه و تمایل و تکیه به قدرت های بیگانه... مشترکند.

ثانیا - روزنامه میزان و لیبرالهای وطنی که از ظهور و حضور فلسفی در نماز جمعه برافروخته شدند، بجای اینکه به مردم ماهیت جریان فلسفی را نشان دهند، در صدد طرد فرد فلسفی هستند و جریان آن را تمجید میکنند. لیبرالها با دفاع از کاشانی در مقابل فلسفی، در حقیقت از استاد در مقابل شاگرد دفاع میکنند. اینگونه "برافروخته شدن"ها

اراک یعنی آیت اله خوانساری (که در ضمن نماینده امام هم هست) و روحانی "بلند مرتبه" دیگری بنام میرجعفری بعهده میگیرند. در ۲۲ آذر ۱۳۵۹، در مراسمی که بمناسبت شهادت ۵ تن از پاسداران در یکی از مساجد اراک برگزار شده بود، میرجعفری پیشبند بلندگورفته و به شدت به کسانی که دم زفتودال و فئودالیسم میزنند حمله می نماید. با آوردن آیاتی چند از قرآن، محترم بودن مالکیت خصوصی و زمینداری بزرگ و زمینخواری را "اثبات" می نماید. بدین ترتیب زمینه برای حمله به این نهادها آماده می گردد.

زمینخواران و زمینداران و تجار بزرگ شهر (که خود از زمینداران بزرگ هستند) از مدت ها پیش امکانات مالی این حملات را فراهم آورده بودند. این افراد در سراسر مدت ها پیش به آیت الله خوانساری خرج و مخارج کمیته چپها را تحویل می دادند، و بدین ترتیب نفوذ خود را در این نهادها فزونی می بخشیدند.

بالاخره یکی از افراد واجد شرایط و مورد اعتماد روحانیت حزبی شهر، اصغر

هیج دردی از ملت را دوانی... کند. دعوی ملت با فلسفی، خا منهای بهشتی و... بعنوان عناصر و افراد نیست! دعوی ملت با اینان بعنوان یک جریان اجتماعی منقطع زورگو، دلال صفت و مشرعه چی است که بر طبقات انگلی و مرتجع جا... معه اتکاء دارند و با پیدای صفوف مردم با لکل طرد شوند.

ثالثا - در پی انتشار نامه عده ای از شخصیت ها در روزنامه انقلاب اسلامی که به حضور و ظهور فلسفی ۲۸ مردادی اعتراض کرده بودند، مدیر مسئول "آزادخواه" این روزنامه - آقای محمد جعفری -

عسگری معروف به اصغر چرخ ساز، در کنف حمایت افراد شریری چون قلیا بتاب (زمینخوار معروف که گویا به اصغر چرخ ساز قطع زمین نیز داده است. این شخص پلیس چندی پیش به حرم زنا و داشتن روابط نامشروع با خواهر زن خود به چندین ضربه شلاق و زندان محکوم شده بود) و آقای مسیحی (تاجروزمیندار و یکی از سردسته های جماعتداران از لحاظ مالی و فکری) و خانم بیات (از زمینداران بزرگ شهر) و چندین تن دیگر از این قماش، دارودسته او باش خود را در ۸ دیماه به "سازمان عمران و اراضی" و در ۹ دیماه به "کمیسیون هفت نفره" گسیل داشت و در شهر آشوب و بلوا بر راه انداخت.

این واقعه بخوبی پرده از ماهیت دلال صفت و فتنه خوی حزب جمهوری و عوامل آن بر میدارد. تجار، زمینخواران و فئودالها، پول و امکانات مالی فراهم می آورند، روحانیون حزبی مسئولیت ایدئولوژیکی و تبلیغاتی توجیهی اعمال این افراد شریرا به عهده میگیرند، و دارودسته های چماق کش حزبی اعمال شنیع و تلخواه این انگلهای اجتاع را بجلو میبرند! اینست حزب

به همکارانش انتقاد میکند که چنانچه این شخصیت ها را بر علیه فلسفی چاپ زده اند. زیرا با اینکار "حق" فلسفی را ساری اظهار نظر ضایع (!!) کرده اند و این "سانسور" است. این "آزادخواهی" قلابی، یکبار دیگر اختلاف فاهوی آن آزادی... ای که طبقات کارگروه ها و دیگر زحمتکشان بدنیا لیس هستند، با آزادی ای که طبقات مرفه بورژوازی ملی ایران به دنبالش روانند نشان میدهد. زحمتکشان جامعه خواهان آزادی برای مبارزه علیه امپریالیسم، علیه زمینخواران و فئودالها، علیه سرمایه داران وابسته و محترکان بزرگ و...

هستند و مسلما برای این دشمنان خود هیچگونه آزادی قائل نیستند. مسلما زحمتکشان جامعه اجازه هیچگونه اظهار نظری به فلسفی و امثال او که فقط می توانند به نفع امپریالیسم و کودتاچی ها خطبه های غمرا بخوانند، نخواهند داد! فرق آزادی زحمتکشان با "آزادی" بورژوازی لیبرالها از زمین است تا به آسمان!

جمهوری - حزب فئودالها، دلالتها، زمینخواران و تجسار عمده با زار!

این اعمال شنیع خشم اکثر مردم شهر را نسبت به این حزب برانگیخته است. حتی مردم عادی هم بی به کندی حرا برده اند، ولی فدائیان (اکثریت) که چندی است توجیه گرا عمل این حزب تا بکار شده اند، در اطلاعیه ای که صادر کرده اند، زبان به نصیحت و پند و اندرز خوانساری باز کرده اند و این عمل راناشی از اشتباه ایشان دانسته اند. عبا از این "اشتباه"!



خطیب شهیر آریامهری

در نماز جمعه حزبی!!

روزنامه "حزب جمهوری" نیز در صبح شنبه پیشنها دلفلسفی مبنی بر تغییر نام "نیعی" از خیابان مصدق به کاشانی را مسخره خواند!! ولی با همه این وجود، در حاشیه حضور و ظهور فلسفی در این اجتماع "وحدت آفرین" و "دشمن شکن" چند نکته را توضیح میدهم:

اولا - ظهور فلسفی به عنوان "سخنران بیسش از خطبه ها" در نماز جمعه تهران نشان میدهد که ما همیشه سخنران پیش از خطبه های - خطیب جمعه یعنی خامنه ای - زیاد دفرقی ندارد، تنها فرق (بقیه در صفحه ۱۵)

خود - یعنی آیت اله کاشانی - تجلی "شایسته" و "بایسته" به عمل آوردند. به صحنه آوردن فلسفی، و آنهم در اجتماع "وحدت آفرین" و "دشمن شکن" نماز جماعت خشم بسیاری را برانگیخت. عده زیادی از شخصیت های سیاسی و مذهبی به حضور این شخص در نماز جمعه اعتراض کردند، چند تن از نمایندگان مجلس رسماً به این اعتراض نمودند - اما لبرالها - روزنامه میزان در این - فرصت را مغتنم شمرده و با حمله به فلسفی، حزب رقیب را مورد عتاب قرار داد. گنده قضیه آنقدر در آمدکه حتی

... معروف هستند، به عنوان "سخنران پیش از خطبه ها" به صحنه آورد. جناب ایشان بسا مهارت ذاتی خود به تعزیه - گردانی مشغول شدند و جداً که ادای وظیفه نمودند و از استاد

جمعه گذشته، حزب جمهوری اسلامی یکی از "شاه کارهای" نظیر خود را انجام داد و شاه پرست معروفی بنا م فلسفی را که به خطیب شهیر دوران آریامهر، به شنا گوی کودتای ۲۸ مرداد دسیا، به دوست و رقیب شعبان جعفری بی مخ و

در این جاسوسخانه هم

باید تخته شود!

درباره اولتیماتوم روس

گردید. در همان موقع ابر - قدرت زورگو و تجار روسیه به دولت ایران "اخطار" کرد و "هشدار" داد، دولت هم که از هر دو ابر قدرت می ترسد و با هر دو هم لاس میزند، از "اشتباه - کاری" که صورت گرفته تلویحاً معذرت خواهی کرد.

ولی گویا ابر قدرت روس، از ضعف و سازشکاری و خیانت دولت مردان بخوبی ناخبر شده است. پس از سه هفته از ماجرای اشغال موقتی سفارت خانه - یا بهتر است جاسوسخانه - روسیه، سفیر ایران در مسکو را به وزارت امور خارجه شوروی احضار کرده اند و اولتیماتوم موقتی - نه ای به وی، یعنی در حقیقت به ملت و انقلاب ایران داده - اند:

"خبرگزاری تاس - دیشب گزارش داد که سفیر ایران در مسکو دیروز به وزارت خارجه فراخوانده شد و در آنجا به وی اطلاع (بقیه در صفحه ۱۶)

حدود سه هفته پیش، در ع - دیماه سالروز اشغال - افغان - نستان توسط نیروهای سرسبز امپریالیسم روس - سفارتخانه این ابر قدرت در تهران بطور موقتی اشغال

کارگران

وایادی

حزب جمهوری

آقای دانشیاران رئیس شورای سابق کارخانه پروفیل نیمه سبک است. و از آنجا شبکه رئیس شورا در هیئت مدیره کارخانه نیز شرکت میکنند، ایشان باین دلیل در هیئت مدیره کارخانه نیز حضور داشتند، چندی پیش در افسر فمالیتهای چشمگیر دکا رگری ایشان و شورای تحت رهبری او کارگران طی مبارزه ای شورای (بقیه در صفحه ۱۶)

حمایت عوامل حزب

جمهوری از زمینخواران

فئودالها و تجار عمده

در آراک

در روز ۸ دیماه ۱۳۵۹، عده ای اوباش به ساختمان "سازمان عمران و اراضی استان مرکزی" در آراک حمله برده و پس از ضرب و شتم وحشیانه کارکنان این مرکز و بسراه انداختن آشوب و بلوا در آنجا در این سازمان را به جرم "کمونیستی بودن" اعمالش می بندند. در فردای آن، همین عده اوباش، به مقر "گمیسیون هفت نفره" تقسیم راضی حمله میبرند و کارکنان آنجا را نیز مورد آزار و اذیت قرار میدهند که موضوع به کلانتری می کشد و شکایت کارمندان و مسئولان

هشوز در جریان است. ولی لابد سؤال میکنید که چرا به این دو سازمان - یا دو نهاد انقلابی و "مکتبی" حمله شده است و در آن ها تخته شده است؟ وجه کسانی در پشت این بلوا و آشوب در شهر آراک بیو - ده اند؟ اجازه دهید تا موضوع را از مدتی پیش - یعنی از پس از پیروزی قیام - بررسی کنیم: "سازمان عمران و اراضی" نهادی است که پس از تصویب قانون "لغو مالکیت اراضی مساوات شهری" بوجود آمد. کار این سازمان واگذا - (بقیه در صفحه ۱۵)